

فهرست مندرجات

§ اشہار • تکرافات • شمعہ از حالات تاریخی
 مسامان چین • اعلان • اجرت طبع اعلان •
 شرح اجرت طبع کتب وغیرہ • نرخنامہ • مکتوب
 از بمبئی • حیدرآباد دکن • امتیاز کار کردن در
 معادن نفت ایران • مکتوب از جدہ • مکتوب درد
 انکیز • مکتوب از بغداد • سوانح عمری جناب حاجی
 زین العابدین آقا قلی اف • مقالہ یکی از دانشندان •
 داستان شکفت یاسرگذشت یتیمان • مقاصد سیاسیون
 انگلستان • جبل المتین • قابل توجہہ ارباب حل و عقد
 حکومت بمبئی • شرم باید نمود • طاعون • مرافعات
 شرعیہ در روس • اخبارات خارجہ • اخبارات
 داخلہ • کاکتہ •

تکرافات

(۰ - اپریل)

§ بتاریخ سی و یکم مارچ در مقام (در کبیل)
 ۳ نفر از سرداران انگلیسی و بیست و چہار نفر
 از سربازان قتل رسیدہ و شانزدہ سردار و یکصد و
 سی و یککنفر سراز مجروح شدہ اند - وقایع نکار
 (روتر) از پریشوربا خبر میدہد کہ از بوٹوان نیز درین
 میدان یکصد و سی و ہفت نفر مجروح و مقتول
 کردہ اند

§ و نیز در جنگ (بوشمالسکوب) از قشون انگلیسی
 ہفتہ نفر مقتول و پنجاہ و شش نفر مجروح شدہ اند
 علاوہ ۳۰ نفر از فوج (فشنل اسکات) نیز قتل رسیدہ اند

(۶ - اپریل)

§ وزیر مستعمرات دولت انگلیس مستر چمبرلین از خدمات
 (لارڈ مہون) در (ہارت ریور) اظہار قدردانی
 نمودہ تا سب از تلفات قشون کردہ ابراز ہمدردی
 نسبت بہ باز ماندگان مقتولین نمودہ است

§ در جنگی کہ بمقام (بوشمالسکوب) واقع شدہ بود
 طاقت لشکریان خود را بہم رسانیدہ با مشت و لگد
 سرودندہ ہمدگر را کوفتہ و با شمشیر و سرتفنگ

یکدیگر را مجروح نمودند سپس قشون نمر ۷ (حصار)
 بہ تاشید لشکریان انگلیس رسیدہ لشکریان بوٹو عقب نشستند
 § آنجہ بہ تحقیق پیوستہ تاکنون ہفت ہزار نفر
 دلیران بوٹو در میدان جنگ موجود اند علاوہ بر اینہا
 سردار (دلیری) بوٹو بر آردوی معظمی بہ تہائی
 سردار است

(۷ - اپریل)

مخبر روتر از (کرانستد) خبر میدہد کہ (مستر
 ناک برکر) با (مستراستان) وزیر سابق جمہوری
 آرنج و سردار دلیر بوٹو (دلیری) در بارہ مصالحتہ با
 دولت انگلیس مخابرہ میکند ولی بعد مسافت بین آنہا
 نمیکندارہ کہہ این امر بزودی فیصلہ شود ازین رو
 ہیئت صلح خواہان بوٹو برای اینکہ کاملاً بتوانند مخابرہ
 بیکدیگر کنند تبدیل مقام خواہند نمود

§ درین مقتولین بوٹو نیش دوفر از سرداران معظم
 آنہا (پریشوریس - و رسلو) نیز دیدہ شدہ است
 § ہزار نفر قشون اردوی (رائل کنیدین رجینت)
 بجانب افریقای جنوبی کسبل شدند

§ فرزند ارشد (مستر کروگر) رئیس سابق جمہوری
 ترنسوال حلف بر اطاعت دولت انگلیس نمودہ است
 § (لارڈکنچر) تکرافاً خبر میدہد کہ سردار بوٹو
 (سکریتزنگر) نجات یافت اینک مثل سائر اسرای
 جنگ در نظر بندی است

§ (مستر بلفور) در جواب سائلی اظہار داشتہ است
 کہ از بابت صلح ابداً نمیتوانم رای خود را ظاہر نماید
 § بابعالی اعلانی بسفرای دول فرستادہ کہ دربارہ
 اغتشاش مقدونیا و البانیا ہمآ قریب احکامی خاص
 صادر خواہد شد

§ در (البرٹ ہال) لندن ایام تاجگذاری اعلیحضرتہ
 شاہانہ درباری خاص المقادیر خواہد یافت کہ جہا
 خطابہ های تبریکہ را کہ از ہر جا و ہر قوم و ملت
 رسیدہ قرائت نمایند

§ اخبار طمس دربارہ عدم اطمینان اہالی (آزلند) دولت

انگلیس را یاد آوری مینماید و در باره ایغای به پیمان متذکر میماند
 § بموجب برخی رپورتهای موقه گفتگوی صلح تا يك اندازه قریب بانجم است زیاده سخت گیرا (مستر استان - و دیوت) دارند چه آنها راضی نمیشوند که دیگری هم در ترنسوال حصه دار شود

§ ورقه بودجه انگلستان بابت سال روان دوشنبه آینده (بنی امروز) در پارلمان موضوع بحث خواهد شد (۸ - اپریل)

§ عهدنامه دولتین روس و چین در باره منچوریا بصره رسیده و قرار بر این یافته که تا وقتی که قشون انگلیس در صوبه (چیل) هستند راه آهن منچوریا را هم روس بقبضه اختیار خود نگاهدارد

§ ماقبت دولت ایران قرضه جدید را از دولت روس حاصل نمود - چنانچه دولت روس بیک استقراضی خود را در ایران اجازه داده است که ده ملیون منات بسود صدی پنج بدولت ایران داده و شرایطی که در ماهده سنة (۱۹۰۲) شده است معمول دارد

§ جماعتی از اهالی بلغار چهار نفر مسلمانان را در سرحد ترکی بقتل رسانیده میگویند این قتلها برای ترغیب دادن عوام در کشیدن انتقام است

§ (لارڈ کبرلی) این جهان قانی را وداع گفت § رئیس جمهوری استرلیا (مستر بارتن) بواسطه موالی چند معذرت از رفتن به ژاپون نمود (۹ - اپریل)

§ (بانت دیوت) برادر (کرسچن) که سابق رئیس جمهوری آرنج بود اجازه لارڈ کنجر دست از باغیان را زیر فرمان خود آورده فوجی ترتیب داد سما به (آرنج والتیر) نموده این جماعت حقوق خودشان را بعد از ختم جنگ حاصل خواهند نمود

§ نامه اخبارات را عقیده بر این است که عهدنامه دولتین روس و چین در باره منچوریا از برکت آسمان سوق عسکری انگلیس و ژاپون با مضاء و مه رسیده § اخبار (دیلی کرانیکل) مینویسد که این عالم دار

مکافات است دولت روس در جنگ چین دولت ژاپون را از چیدن ثمره فتح بازداشت - امروز دولت ژاپون از دولت روس درباره صوبه منچوریا تلافی نمود § (دیوٹ آف کنات) سپهسالار قشونیکه در جغش تاجکناری در لندن طلب شوند مقرر گردیده معاون ایشان (کرنل ژانر) خواهد بود (۱۰ - اپریل)

§ (مستر برادرک) در دارالغورای ملی اظهار داشته که اشک بر کر) و (بوتها) و سائر سرداران و صاحب منصبان ترنسوال و مستر (استان) و (دیوت) و (دلیری) با سه نفر دیگر از ارباب حل و عقد (آرنج) در (کارسدراب) در زیر بیرق صلح رسیده اند تاکنون اظهار مطلبی نشده الا اینکه خواهش در حفاظت خود کرده اند

§ (جنرال هملتن) سرداری ونکرای (کارسدراب) معین گردیده

§ لشکریان انگلیسی در حلالیکه بمغرب و جنوب نموده بودند شصت نفر از بوژان را اسیر گرفته و مقدار قلیلی قورخانه غنیمت یافته اند

§ جون در شورای (سوئزلند) بادشاه ایتالیا را دشنام داده اند ازین رو اتحاد دولتین مشارالیهما برهم خورده است

§ بموجب خبریکه تازه از بلژیک رسیده بوم دوشنبه قبل بلوای بسیار سختی در بریسل شده است (۱۱ - اپریل)

§ (مستر برادرک) در جواب سائلی اظهار داشت که تا کنون شرایط مصالحه بوژ بدولت پیش نشده و این امر را هم نمیدانم که آیا (لارڈ کنجر) اجازه یافته است که شروط آنها را قبل از آنیکه آنها خود را تسلیم نمایند قبول کند یا نه

§ هزاران حملجات در بریسل دست از کار کشیده و بسیاری از تجارت یک کان دست از تجارت برداشته دست (بسوز) میروند و دیگران را هم با خود شریک

میںبند مجددآ سه فوج دو طلبان را طلب عوده در مقاماتیکان جنگ و بلوا میرفت فرستاده اند
(۱۲ - اپریل)

§ ارباب صلح آرنج و ترسوال را در (کلرمد راب) پذیرائی شایان نمودند و کانفرس مشوره برای پیش نمودن شرایط صلح در اردوی آنها قرار خواهد یافت § مقرر شده که سرداران بوژ در (کلرمد راب) بود بجنبه باهم مشوره نموده شرایط صلح را پیش نمایند ولی تا کنون گفتگوی صلح را با احدی ظاهر نداشته اند

§ بریسل روزها خوااموش و شها جای نماند تمام دکانین بند و قشون در هر محله بگردش و در بسیاری از مقامات بین رطایا و قشون زدو خورد شده جانین شایک میشود و جماعتی مجروح میگرددند

▶ شمة از حالات تاریخی مسلمانان چین ◀
§ کم توجهی مسلمانان از برادران اسلامی خود در چین نه از زمانه حال بلکه از چندین قرن باین طرف قابل افسوس و سزاوار تأسف است - و حال آنکه از تواریخ فرنگ ظاهر میشود که اروپائیان از زمانه دراز واقف از حالت اسلامیان چین میباشد و غالب سیاحان اروپا از حالات اسلامیان آن سرزمین از قرون عدیده اطلاع میدهند - آنچه از کتب تواریخ اروپا حالات مسلمانان چین ظاهر میشود خیلی حیرت انگیز است (مارتوپولو) که در سنه هزار و سیصد میلادی درحاکم چین بسیاحت رفته بود خود با مسلمانان آن دیار ملاقی شده ذکر حالات آنها را بدین قسم می نماید در صوبه (کاراجان) که این وقت (یانان) میگویند چند قسم مردم موجودند شرقین که مقصودش مسلمانان است و برب پرستان و معدودی از عیسویان در شهر (سجنفو) که (ینگفو) میگویند باشندکالتش بت پرست و کماتی اند که محمد را می ستایند و قلیلی از عیسویان هم قیام دارند سوای حالیکه این بطوطه در سیاحت نامه خود در سنه (۱۴۰۰) میلادی در سیاحت آسیا

نوشته و در آن شمة از حالات مسلمانان ذکر کرده اطلاع دیگر از برادران چینی خود مسلمانان ندانند و همچنین اسلامیان چین هم از برادران خود در سائر ممالک کاملاً واقف نمیشاندند - هیچگونه رابطه و تعلق میان اسلامیان سائر بلاد و چین نبوده و نیست این بطوطه مسرت اسلامیان چین را از تلاقی شان با وی بدین الفاظ بیان میکند (هو لامللتجار بسکنانهم فی بلاد القنار اذا قدم علیهم المسلم فرحوا به اشد الفرح و قالوا جاء من ارض اسلام وله یعطون زکوة اموالهم فیعود غنیا کل واحد منهم - اهل الصین کفار یسبدون الاصنام و یحرقون موتاهم فا فضل الیهنود و ملک الصین تتری من ذریه تنکیز عخان و فی کل مدینه من مدن الصین مدینه للمسلمین یسبدون بسکنانهم ولهم فیها المساجد لاقامة الجماعات و و هم مظلومون محترمون) این بطوطه میگوید

در هر شهر یک حصه بجهت مسلمانان مخصوص نموده اند که تمام مسلمانان و مساجد و معابد شان در انحصار اهالی چین مسلمانان را نهایت عزت و توقیر میباشد خلاصه وقتی در صوبه (یانان) مسلمانان چین در دوات بغاوت انگیختند و غایت درجه قوت را بروز دادند و بیست سال علم این مخالفت را نگاهداری و برپا داشتند و بغرق دست در تمام دنیا وجود خود را ثابت کردند نتیجه این شد که در حالات آنها دو کتاب بسیار بزرگ که یکی را (پروفیسر و یزینیف) در زبان روسی نوشته و در آن کتاب حالات اسلامیان چین را محل خوف و عبرت طالبین قرار داده گویا نقشه کشیده است بقول مؤلف مذکور این کثرت و قوت را در حق مسلمانان چین احدی گمان نداشت میگوید در کثرت اسلامیان چین و زقیقت ایشان یم نقصان بزرگ به تهنیب عیسویت در تمام روی زمین است مؤلف مذکور را یقین کلی حاصلست که روزی مغرب عمومی چین مصلحان قرار خواهد گرفت (باقی دارد)

اعلان

برای کسانی که خواستگار رواج امتة تجارتي خود در ممالک خارجيه مثل - ايران - تركي - مصر - هندوستان روس - افغانستان - تركستان - و غالب ممالك اروپا و عامه بلاد آسيا ميباشند روزنامه جلالالتين (که فقط يك روزنامه فارسي زبان در هندوستان است و محل توجه تمام اسلاميان وغيره واقع گردیده) بهترين وسيله است صفاتي طبع و حسن حرف و عمدي کاغذ آنرا اگر منحصر در فرد کوشم باضراق سخن نکتة ايم - معتريکين اين اخبار على العموم امرا و عماید و تجار محترم و ارباب سيف و قلم اند - و بدون استثناء در تمام روي زمين کم پاييش اشاعت مي شود - هر کس هر گونه اعلان تجارتي وغيره تجارتي داشته باشد مطابق نرخ نامه - اداره در تسميلش حاضر است - اعلان را بهر زبان خواستگار باشند بهمان زبان در اخبار خواهيم داد و اگر ترجمه آن را هم بفارسي بخواهند (پس از تصفيه اجرت ترجمه که علاوه بر اجرت طبع اعلان است) اجزای اداره به ترجمه آن اقدام خواهند نمود - يقين است هر اعلاني که در اين اخبار داده شود تا يك درجه مقرون بکاميابي خواهد بود (منبجرجلالالتين)

اجرت ماهانه طبع اعلان

صفحة اول	منهای لوحه	۴۰	روپيه
دوم		۳۲	
		۲۵	
		۲۲	
		۲۰	
سائر صفحات		۱۶	
يك ستون		۱۰	
نیم		۷	
ربع		۵	

این نرخ نامه برای ششماه یا یکسال کامل میباشد

اعلانی که کوچک چهار سطری يك مرتبه بگرويه

فروش اجرت طبع کتب وغيره

اعطای مطبع بهرابطه ذیل برای طبع هر گونه کتب عربی و فارسی - اردو - وغيره حاضراند

§ (اول) - اجرتیکه ذیلا در نرخ نامه معین شده فقط برای نوشتن و با حروف با چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلد بندی وغيره بذمة ملک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمیل نمایند

§ (دوم) مطبع فقه دار هجت طبع مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان يك جزو را چهار صفحه یا دو ورق جلالالتين قرار داده ايم - اعم براینکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و یا شانزده صفحه قرار دهند يك جزو محسوب خواهد بود - اگر اندکی (یعنی تا نیم انج - ربع کوه) قطع کاغذ کم و بیش باشد همین اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جلالالتين ظاهر میشود

§ (پنجم) - خط کتاب سنحکی اعم از نسخ و نستعلیق و شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل بمبئی و سائر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفيه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (منبجرجلالالتين)



لی جزو	حروف متوسط	حروف درشت	خطی جزو سنی
هزار نسخه	ده روپيه	هشت روپيه	هفت روپيه
پانصد نسخه	هشت روپيه	شش روپيه	پنج روپيه

مکتوب از بمبئی

§ خدمت جناب . . . مؤيد الاسلام زحمت عرض میدهد از حالت حالیه بمبئی و شدت طاعون البته اطلاع دارند - از سال اول شروع این بلا که علاوه بیمارستان ذواتی مرطیفة معظم هسته خانه مخصوص خودشان با ملازم و اسباب لازم آمده باشند ایرانیان هم دارای

دارالافتا شد. - چنانچه بر حاشیه و تفصیل آن در روزنامه مقدس دیده شد (مخوش دوخسید ولی دولت مستعجل بود) حال دوساله است که آن بساط بر هم خورده. امسال حاجی عبدالله جوهری با زوجش را طاعونی زد. - بچاره نه درمی داشتند که بهای دوا دهند و نه خادمی که غذا برای آنها مهیا کند طاقت حاجی عبدالله فوت شد و زنتش رو به سمت نهاد. ولی از فلاکت قرین هلاکت است - هرگاه فقیرتر از اینها گرفتار این بلا گردد معلوم است چگونه کجا باید برود (هرچه آید سال نو کویم یاد از سال پیش) چه بسیار واجب است که دعاگو و شکرگذار جناب اشرف ... پرنس ارفع الدوله سفیر کبیر اسلامبول باشیم که هنگام مأهوریت و اقامت در قلیس قبل از هنگامه ناخوشی اسباب بیمار را تیار نموده شخصاً رسیدگی بحال فقرا فرمود بی از نتایج اینگونه نیکو کاریها است که خداوند تبارک و تعالی جناب معظمه را از مقام جاگری بمرتبه جلیل سرداری رسانید

آری به سروری برسد هر کسی که کرد

و شهریار و ملت اسلام چاکری
 يك زن و يك طفل دیگر ایرانی هم سكرتار
 طاعون شدند

حیدرآباد دکن

بتاریخ ۲۹ مارچ (لاردرزن) نائب السلطنه هند ساعت نهم صبحی وارد حیدرآباد شدند. والا حضرت نظام بمعیت صاحبزاده ولیمهد بهادر و دیگر اسزادو اراکین دولت و مأمور سیاسی دولت انگلیس (رزیدنت) و سپاه انگریزی متعینه اردوی (سکندرآباد) بر ایستگاه راه آهن حیدرآباد استقبال نمودند. و ایستگاه منبور بقایت شکوه آراست بود. افواج دولت از ایستگاه تا به (رزیدنتی) دو طرف صف بستہ احترام بودند مردم برای دیدن فرمانبرما چنان ازدحام نمودند که یکفمن جرسنآید. انتظام فوج و پلیس خوب بود و قهقهه

قطار راه آهن از حیدرآباد به تهران از توپخانه نظامت سی و يك توپ شلیك نمودند. بداعت ده نائب السلطنه مع هرلخان خودشان وارد مقام (رزیدنتی) شدند. -
 هاروز بساعت یازده حضور نظام بمعیت ولیمهد بهادر. و مہاراجہ مدارالمہام. و نواب ظفرچنگ. و نواب سلطان الملک. و نواب نذرالملک. و نواب شہاب چنگ. و نواب نظام یارچنگ خان خانان. و میجر افسر الدوله. وغیرہ برای ملاقات در مقام (رزیدنتی) رفتند. چون والا حضرت نظام از کالسکه فرود آمدند بیست و يك توپ شلیك شد. والا حضرت نظام رجب ساعت مکت نموده باز گفتند. آنوقت نیز بیست و يك توپ شلیك شد. بعد از آن در تمام روز امرای کبار برای اداء مراسم فرمانبرداری قیامگاه نائب السلطنه میآمدند و میرفتند عصر هاروز فرمانفرمای هند برای باز دید والا حضرت نظام بر (چوچله) که (یکی از قصور نظامت است) تشریف فرما شدند. و در میانشان جمعی کثیر از رجال محترم انگلیس بودند وقت رسیدن و باز کشتن سی و يك توپ سلامی شلیك شد. -

شب در (رزیدنتی) ضیافت ملوکانه ترتیب شده بود والا حضرت و اعیان دولت مدعو بودند بعد فراغ نائب السلطنه دربار نمود. قریب دو بیست نفر حاضر بودند. روز سوم (لیدی کرزن) زوجه محترمه فرمانفرما ملاحظه شفاخانه (افضل کنج) را فرمود. عصر هاروز لاردرزن مع خانون محترممان برای حیر (فلک نما) و (آبگیر میرطام) رفتند. بساعت هفت و قیامگاه خودشان عودتی فرمودند. بساعت هشت شب در قصر حضور ضیافت بود سیمصد نفر مدعو بودند. تمام شهر از (رزیدنتی) تا به قصرشاهی چراقانی با شکوه شد و شهر مانند بقعہ نور مینمود. بعد فراغ از طمسلم آلمبانی مفصل نمودند. میگویند که صرف آلمبانی بطلع بر چاه. هزار رویه شد. قهرریک حضور نظام و فرمانفرمای هند در این موقع فرمودند بوقت دیدن کادش

خواهد یافت - دیروز ۲۴ ساعت (لاروگزنده) با حضور نظام مخفی داشتند - و وقت شب از طریق راه آهن به شکارگاه تعریف بروند بتاريخ چهارم محرم برای ملاحظه (لنگرخانه) بچمبرآباد عودت خواهند فرمود از مهمان نوازی نظام دکن که الحاق شاهانه بود فرما فرمای هند خلی خورسند شدند - میگوید که اینگونه مهمانی از فرما فرمای هند با چنین کروفر و مصارف بی اندازه در هیچ جای هند نغده بود

امتیاز کار کردن در معادن نفت ایران

جناب مؤیدالاسلام - عقل قاضیت بر اینکه پادشاهان مقلد فرنگ به نفس نفیس خود این همه کنوز عالم و معادن زمین را کشف نه نموده اند - بدو آ جستجو نموده صاحبان افکار صحیح و دارایان حکمت ناله را بین رعیت خود پیدا کرده انتخاب نموده مقرب خویش قرار داده بانور عقل و بلندی افکار آنان کتب سیاسی و حکمت قدیم و حدیث را جمع نموده در روشنی آن چراغهای منیر عقل و حکمت امور ملت و دولت سبک سنگین عده اساس ترقی را کف کرده با آن اساس دژة علوم و فنون را وسعت داده اسباب تسهیل امور را میسر نموده خزاین زیر زمین را کشف کرده بان خزاین مالک رقاب عالم و آدم شده اند -

من جمله خزان زمین معدن نفت سیاه است که تا چندین قبل مبالغ و مطبخ خانه را هم روشنی نمی بخشید انسان کلن میکرد که خداوند نفت را صرف برای خرب کردن شعر و کامیش خلق کرده است - و حال آنکه امروز ملت روسیه از جوهر آن نفت سیاه هفتاد و نهم عالم را منور ساخته اند

مقام هزاران گونه اسف است که بالغ بر هفتاد سال میباید که عمر مسایق ایران کار کردن در معادن نفت جاری و بوجود آنکه پیلوی، از اهل ایران بعد آن کارهای مهمی میسر کرد و در آن باب تا اندازه مهمی

اشده آنگاه ابدان تصور نمیابند که از این قبیل معادن نفت سیاه هر ایران ما هم بسیار است - کسی ملتفت نباشد دولت هم مهربان نیست

خلاصه بتاری امتیاز کار کردن حصه از آن معادن را انگلیسان حاصل نموده اسباب زیادی وارد بغداد کرده روانه قصر شیرین میبایند - و وکیل کینی مزدور و حملجات اجاره میکند طبیب همراه دارد آن مزدورها مثل گاو و اسب معاینه میکنند که مبادا زخم دزدی و مرض کهنه داشته باشند - و اول شرطش این است که مبتلا بمرض مزمن نریک نباشد - و لکه برص حیانت نداشته باشد با شروط چند و مزد کافی اجیر میکند

دل انسان کباب میشود که آخر کار اهل ایران باینجا کشید - خدا یا ازین بدتر برای ما نخواه - خدایا یا چنگیزی برسان تا ماها را تمام کند یا نادری برانگیز که عزت بر باد رفته ملت ایرانیه را حاصل نماید آنچه بر سر ما آمده و بیاید از عدم توجه و التفات حکام مان است به کتب حکمت و رسائل اهل درایت و اعمال در احکام شریعت و سیاست عمده صلوات الله علیه باوجود فریادهای شبانه روزی جبل التین بناله های مخالف و نواهای مختلف راهران ما از خواب غفلت سر بر نمیدارند سهل است گفتار او را لالای پنداشت قصه می شمارند - ولی لابد بعضی از اسلامیان از آن نواها و ناله ها منتفع شده اجر مبلغ ضایع نخواهد شد - انسان به تکلیف خود باید عمل کند (معذرة الی الله تا اخبره الله تعالى من قصص النالفین قالوا لسا نملوننا قوم مهلكنا الله قال معذرة لربنا)

قصه طبیب فرنگ و امتیاز معادن قصر جستجوی زیاد کردم بلکه حورث معاهده را بدست آوردیم نتوانیم بولی، بواسطه شخص ارمی از مستر دلاور پسر تر جان اقوشو لکری دولت انگلیس که وکیل کینی در بغداد است مستشار نموده گویا امتیاز بودیسه از هیچ معادن

تصرف درین امر ذهاب و شوهرت و محرمه و غیره کفنی
 آنست که شهر حقش نموده موله آهن یندازه از قصر
 تا محرمه و وقت را بدان ذریعه تا محرمه جاری کند و
 در تقع نیز گویا دولت ایران ربح حرکت دارد این
 نکته درست معلوم نیست

گویا معاهده چنین است که حملجات باید تبعه انگلیس
 و ایران باشند و کفنی خیال دارد جوی را از هندوستان
 طلب نماید و از دو طرف نهر تا مسافت چند کیلومتر
 حق زراعت دارند و میتوانند مستحفظین گذارده قلاع
 بسازند و دلیل بر صدق این مقال آنست که اغلب
 مزدور هائیکه اینجا گرفته اند همه هندی و افغانی بودند
 بر کردیم بخمال ایرانیان بعضی میگویند حقیقت
 بولی که از برای فرویض این امتیاز گرفته شده حلال نموده اند
 و تا بحال چنین نمک بحلالی از رجال ایران دیده نشده بود
 این زخمهای منکر همکاری است که بی در پی بلوب
 وطن خواهان میرسد و از روی درد درون و بی خودی
 فریاد میزنند طاقت برخی آنها را دیوانه میگویند و بعضی
 آزادی شهوان خدا یا تو میدانی که ازین به بعد جای
 سکوت و مقام درنگ برای ایرانیان باقی نماند تو بر
 ایران و ایرانیان رحم فرما و از کناهاییکه باین گونه
 عقوبات سزا یافته ایم در کفر و برما به بخشای

گویا بجمیع رؤسای ایلات احکام اکیده صادر شده
 که این امتیاز نیست بلکه مثل اداره کمرک اجزای این
 عمل که انگلیس اند نوکر دولت علیه میباشد - روز
 اول سکه این خبر را شنیدم بمنزل ایشان رفته بعضی
 استفسارها نمودم - و قتیکه این حرف را زعم بنای
 خنده را گذاشت استهزایم نمودند برخاسته بیرون آمدم -
 (بنام خیرخواه)

مکتوب از جده

جناب مولی الاسلام - از یکرانه روزنامه مقدس
 نمیتوانم بیرون آمدم فریادهای نامنه مقدس در ایاره
 مانوریت جده طبعت تاریخی را بر وفق حرام هوا

خواهان ملت نمودند چون نطقتم سکه جنابالی
 تکارشک مخلفن را خالی از شایبه هم بیژنید باید همه
 از وضع امسال حاج ایرانی بدون کم و بیش تعرض نباید
 امسال هوای جده نسبت بسنوات سابقه بهتر است
 حجاج طوی الفز والاحترام وطن مقدس بسلامتی
 متدرجا وارد شده بعضی که در کشتی محرم نشده
 بودند از راه مدینه و کسانیکه محرم بودند از راه
 جده طازم مکه معظمه شدند از ملاحظات کامله جناب
 اشرف پرنس ارفع الدوله سفیر حکمیر دولت علیه تو
 مراقبات تامه جناب مفخم السلطنه جنرال قونسل که
 برادر جناب پرنس معظم الیه است امسال بموم حجاج
 ایرانی خوش گذشت - چنانچه خاطر جنابالی از وضع
 سالهای گذشته بطور اکمل مستحضراست که حجاج
 ایران از روز ورود جده تا یوم حرکتشان متحمل
 هزار گونه زحمت و تعدیات اهراب و غیره میشدند و
 نبود سالی که صیت شکایت آنها بلند نشود - و بیشتر
 شکایت حاج از عدم توجه مأمورین در اجعاف و زیادت
 صاحبان خانه ها بود که هم کرایه منزل را هرچه دلشان
 میخواست گرفته و هم روز حرکت حاجی نبود سکه
 خورجین و سایر لوازمات آن از میانه تلف نموده باشد
 امسال بعکس سالهای گذشته از اتهامات جنرال
 قونسل احدی نتوانست در حق حجاج ایرانی تعدی و
 ظلم نماید زیرا که معزی الیه بمجرد ورود جده از بعضی
 ملاحظاتیکه اسلاف ایمان داشتند و خاطر جنابالی
 مسبوق است چشم پوشیده صاحبان خانه را به جنرال
 قونسلگری احضار نموده باطلاع شکوت علیه از
 ایشان التزام نامچه گرفت سکه اگر چه و برطاری
 از اشیاء حاج از یوم ورود تا روز حرکت در خانه ایشان
 کم شود باید از همه قیمت آن بر آید - گذشته باین
 اختیار ندارند یومیه یعنی از دو غرض از یک نفر حاج
 کرایه بگیرند و همان روز بموم حجاج عنوان التزام
 نامچه اعلان شد که حجاج ایرانی بخدمت ابراهیم

عبر با کمال مسرت بدای فات ملکوتی صفات
اعلی حضرت اقدس شهرباری رطب اللسان شدند
امسال وجود همچو مأمور کاردان با غیرتی لازم
بود چرا که بمناسبت (حج اکبر) اکثر حاج با مختصر
وجهی از ایران قصد زیارت بیت الله نموده بودند آن
مأمور با کفایت نمیداشتند و صاحبان خانه معامله
سالهای گذشته را با ابقان میکردند - چه بسیار حاج
در جده میباید -

روزی یکنفر از حججاج شیرازی طرض شد که
در کنار دریا برای غسل رفته بودم یکی از اصحاب
لباسم را بده لیرا برداشته فرار کرد - قونسول فوراً
صاحب خانه او را حاضر نموده وجه مزبور را مطالبه
کرد صاحب خانه اظهار داشت که در خانه من وجه
او بسرقة رفته است - جنرال قونسول جواب داد میدانم
ولی از آنجائیکه شما ساکن جده هستید تمام دزدان و
اشرار را بخوبی می شناسید یا باید دزد را بدست آرید
و یا اینکه بعد ازین در خانه شما حاج ایرانی منزل
تعماید صاحب خانه وضع را که اینطور دید ده لیرا
را بجای مزبور سپرد فردای آن روز صاحب خانه
حاجی را برداشته یکی از قهوه خانه ها برد که اشرار جده
هماره آنجا جمع میشوند از قضا دزد حاجی آنجا بود
بعد از لیت و لعل صاحب خانه پولی که بجای داده بود
بشوسط حکومت از دزد بازگرفت -

یاد دارم که در سالهای سابق اکثر حججاج ایرانی
بعد از ورود بجده خودشانرا تبعه اجنبی می نامیدند
و با تبعه روس و غیره بقدر امکان یکجا منزل میکردند
تا شاید در زیر حمایت آنها آسوده بمانند

ولی امسال خدا را شکر جنرال قونسول ایران
چنان اقتداری لغان داد و طوری با حججاج رأفت و
مهربانی و برستاری کرد که ایرانیان را بر تبعه خارجه
اقتضارها بود - و دیگران هم منزلی حججاج ایرانی را
خواهان بودند - خیرخواه سی و پنجسال است در

جده سکونت دارد کثر از مأمورین را دیدم اینگونه
اسباب آسودگی حججاج را فراهم یاورند
بعد از اهتمامت زیاد با حکومت جده قرار دادند
که بمقت هر قافله ایرانی ۲۰ نفر عسکر نظامی فرستاده
شود که حججاج را سالماً بیکه برسانند هر روز که قافله
حجاج ایرانی حرکت میکرد حججاج به آواز بلند
اعلی حضرت متبوع و مخم خودشانرا دعا میکردند و در
انظار خارجه هم جلوه خوبی داشتند

میرزا عبداقده خان نائب اول جنرال قونسولگری
قافله ایرانی را تا بیرون دروازه مشایمت میکرد
امسال ایرانیان بایزایت خود از کفایت مأمور
محترم خویش جناب فمحم الساطه جنرال قونسول
نفر می نمودند - خداوند اینگونه مأمورین که باعث
اقتضار و سر بلندی ملت و دولت در خارجه اند زیاد نماید
از روی دولتخواهی و ملت پرستی جناب اشرف پرنس
ارفع الدوله بخوبی میدانستند غیر از برادر محترم خودشان
از عهدة این خدمت بزرگ کاپیذنی دیگری نمیتواند بر آمد
خدا را شکر که آنچه را روزنامه مقدس و سایر
هواخواهان ملت میخواستند امسال در مأموریت
جده هویدا کردید از خداوند خواهام که روزنامه
مقدس همواره اوصفات مدوحه ناپندکان خارجه و داخله
ایران مشحون باشد

امسال از علمای اعلام و امرای ایران خیلی
به زیارت بیت الله آمدند همه مسرور و خوشوق بودند
۲۹ ذیحده سنه (۱۳۱۹) (محمد علی لاری)

مکتوب درد انگیز

§ مدیر روز نامه مقدس - اگر بخواهم اذیتها بیکه
امسال بر زوار عتبات وارد آمده بیان کنم (مثنوی هفتاد
من کاغذشود) در هر کوفه هر روز (کربلا) بود مثلاً در
شهر سرمن رای اهالی شهر و خدمه شش هفت نفر
زوار را بشرب جناق کشتند - در راهها چه زحمتها که بر
زنان وارد نمی آوردند - هر کس شکایت بکار بردن می آورد

بعد از خوردن چند سیلی از فرانس جواب می شد
مرد که - کی بتو گفته زیارت بیانی - بدون اصرار
امسال پنجهزار نفر زوار در عراق عرب تلف شدند
غیر از آنها یکی در راه ایران از شدت برف و بوران
هلاک گردیده اند - زیارت واجب نیست مستحب است
و آنکه باین زحمت خداوند در قرآن مجید میفرماید
که خود را بدست خود در مهلکه میندازید -

نمیدانم علمای اعلام چرا در صدد برمی آیند -
و حال آنکه پروردگار ما در قرآن مجید اجر احیای
یک نفس را بقدر احیای کل الناس قرار داده - از خاقین
تا بکربلا همه ایلاف وحشی اند که قتل زوار نزد ایشان
سبب دخول به بهشت جاویدانست -

جناب مستطاب حجة الاسلام فاضل شریانی رفتن
بمکه را از راه جبل منع فرموده اغلب علماء اقیان نجف
اشرف نیز تبعیت نمودند - بجزئیات مرض می نباید عشر
تعدی و زحمتی که بر روارعتبات طالبات میرسد بر حجاج
راه جبل وارد نمیشود - تصور بفرمائید در جمیع
کربلا علی و نجف اشرف و کاظمین علیه السلام یک نفر
طیب سند یافته پیدا نمیشود - غالب اطبایش از شالوده
بیعلم میباشند - درین سه ماهه زمستان در کاظمین علیه
السلام در سخن و کار و السراها روزی ده دوازه نفر
میردند و بر سر هر کویچه و بازار جنازه هارا گذاشته
از برای کفن و دفنشان پول جمع میکردند - بیشتر سبب
این اقتضاح کارها آن بود که ترجمان کارگذار چند نفر
آدم بر سر کار و السراها گذاشته که کسی می مرد مایملکش
را جمع نمایند و هفته دو دفعه تسلیم کارگذاری بشود
باسم اینکه تسلیم و رات میت باید کرد - از همه بدتر
بدنامیست که بعض از جوانان خدام بر سر این بیچارگان
ایرانی میآورند کرافعال و کردار آنها مورث آن خواهد
شد که بر جناب عالی بورش آورده شمام از روی بتیک
معفرت خواهید خواست - باری شنیدم سنال گذشته
ضعیفه را به هفت در خانه یکی از صاحب منصبان

تک بوده بعد از چند روز که ضعیفه را رها میکنند
بخانه آمده تریاک خورده خود را کتفه شوهرش نیز
بهین نوع خود را هلاک میسازد - ازین قبیل واقعات
بسیار داریم که ذکرش تف مبالغت و بروی خودمان
باز می آید

در کربلائی معنی نانی میزنند که غیر از صکنم
هم جور آشفال دارد آنها بدو قیمت نان خوب
امسال آثار کرائی هم است - کسبه عتبات رحم به زوار
نمیتوانند کرد - چیزی که خیلی مایه تعجب است ترکان
ایرانی اند که به زیارت می آیند ابداً باین بیچارگان
هم رحم نمیشود هر چه دارند بهر تدبیر از دستشان
میرایند چه عرض کنم از رحمتی که بزوار داده میشود
گویاشمه ازین حکایات بدولت ایران رسیده محض حفظ
حقوق رطایا منع از آمدن زوار شده یا خواهد شد

مکتوب از بغداد

§ مدینست وعده داده بودم شمه از توجه احوال
بعض از اجزای کار بردار را بنویسم - ای کاش
عکاس یا نقاش بودم - که با ذکر احوال آنان تصویر
شارا هم فرستادمی - زیرا که وصف آنها با آن
وضع خاص نگارشش بقلم کفایت نمیکند ارباب تماشا
خنهای اروپا خبر ندارند والا با همین وضع موجوده
هکس ایشان را میگردند یقیناً هر کس عکس آنها را
بفرنگستان ببرد از آنتیکهای قدیم ایران با قیمت نرو
خوب تر بفروش میروند - چه اینها آنتیکهای قرن
زنده اند و تماشاایشان روزهای رسمی است که کار
پرداز حکومت محلیه یا قونسلیخانهای دیپلومات رسماً
مدعو است یا آنها مدعواند -

لباس فراشها معلوم نیست چه رنگ دارد کلاها
جور بجز کهنه پاره و ندره روغن بر همه جایشان
مستولی گردیده - فرایشان پیر هشتاد نود ساله غالبشان
امور و شان و قنک و بیشتر فرایشها از اگر اضلی
میباشند اصمهایشان ازین قرار است

(کرمان) هفتاد سال دلد نیمچشم يك بايش
سقط و پست سال خدمت کرده است

(عیسی خان) دوچشمش لکه دار همرش شصت سال
یا بیشتر

(اکبریك) خویش تر جان حالیه يك دستش سقط
(یسین) این بی هيب است اما خیلی كفيف
هر دو چهل پنج ساله اند

(نایب هادی) پنجاه ساله اول پینه دوز بود بعد
داخل کار بردازی شد بتدریج نایب فراشخانه گردید
از تعدیش مردم بستوه آمده بودند جناب ناظم الملك
که هدایش ترقی بخشید او را طرد کرد تر جان حالیه
او را ببغلی بر گردانید

(نایب اسمعیل) مشهور بکفری برادر نایب هادی
همرش شصت سال میشود مردی ظالم و متمکار است
اغلب کار بردازها او را بیرون میکردند باز بتوسط
تر جان کار بردازی بر میگردد -

فراشباشی آنها پیرمردی است هشتاد ساله
مسی به (مراد بيك) آدم فقیر خویشست چهل
سال میباشد فراشباشی این کار برداز خانه است قبل
از آن هم پنجسال در کربلائی عمل فراشباشی میرزا
جواد خان کار برداز بود پانزده سال هم در ملازمت
نایب السلطنه مرحوم عباس میرزا خدمت کرده است
چون ظالم نبوده و نیست حالا محتاج است خیلی باو بد
میکند - تا بحال دیده نشده است که فراشهای
کار بردازی لباس نو بپوشند و حال آنکه مداخل
کار برداز بغداد از قالب جاها پیشتر است منجمله مداخلها
هوائی امساله این بود که در موسم حاج اعلان شد
راه جیل محتوم است جمله دارهای شام و حلب هزار
لیرا هدیه تقدیم نمودند و پانصد لیرا نیز ناصر خان
برد - سپس جمله دارهای جیل آمده چهار صد لیرا
تقدیم کرده راه جیل راهم افزان دادند - حتی مشاور
مالوژاره کار برداز کربلا هم که از برای نصب ضریح

اثمه بقیع مأمور شده بود از این راه رفت - باز به
تفصیل اجزای کار بردازی بر کردیم -

کتاب ترکیه (محمد اقدی) نام تبه عنانی
است کثافت فراشهای کار بردازی باو هم اثر کرده
بدرجه ~~که~~ این مرد را از شاگرد کله بز تفویق
نمیتوان کرد - این وجود پر کثافت از صدر نشینان
کار بردازی ماست -

ملشی باشی کار برداز خانه (میرزا حسن خان)
سرتیب از سایر نوکرها پاکتر است -

آخر همه ناصر بيك کرد فیلی تر جان حالیه که این
روزها بنیابت کار بردازی ~~که~~ کربلا مأمور شده در
چند خط شمه از اوصاف غیر مستحسنه او ذکر
کرده بودم حال ~~که~~ حوالش مختصراً می بردازیم
تر جان ~~که~~ ریان پشت کوه میباشد جنایتیکه

مستوجب قتل شده بود از اوصادر و بناچار فرار اختیار
کرد در آغاز ورود تبه عنانی شد با برادر و سایر
اقربای خود و در ضابطه عنانی فراش شد برادرش هنوز
در (بدره) چاوش ضبطیه میباشد و برادر زاده اش در
(مندلی) ضبطیه است - بیست سال قبل از ضابطیه
بیرون آمده در بغداد خود را بيك زاده فیلی قلم داده
بنوکری کار بردازی داخل شد و کم کم ترقی کرده
نایب دهات شد - بعد بیصره رفت چند ماهی هم
در آنجا خدمت ~~که~~ کرد مردم از ظلم و تعدی او
بستوه آمدند عاقبت یکی از تبه شمیری بگردنش
میزند هنوز محل آن ضربت باقی است نصف گردنش
باریک و کج شده - قونسواکری بصره رسماً بکار
بردازی خبر میدهد ~~که~~ این مرد خان است
بمأموریت فرستید بعد بغداد آمد باز به تملق و
پیشکش مأموریتهای کوچک میگرفت تا در زمان کار
بردازی جناب جلالت مآب آقای ناظم الملك که غیور
ترین مأمورین دولت علیه بود ابرازها شکایتش را
برده جلب به بغداد شده چوبکاری خوبی شد آقا

شیخ محمد تقی کاظمی و ساطع را فرمود عفو شد و در این اثنا ناظم الملک حرکت فرموده مشاور الملک به بغداد آمد علما و تجار و کسب از اجماع حسن آقای ترجمان سابق عاجز شده منتظر قدم کاربرد از جدید بودند که شکایت کنند ناسریک (که تازه لقب عالی از برایش آمده بود) فرصت را غنیمت شمرده در حرم کاظمین علیه السلام متکف میشود در حقیقت دایمی میگردد و هر روز پای بوس یکی از افراد خانواده استرآبادی میرود (که نفوذشان در کاربرد از خانه بسیار است) بورود کاربرد از تشکی از ترجمان ساقی و توسط ناسریک شده بسمت ترجمانی قبول میشود

کاربرد از مردیست هفتاد و پنجساله باقتضای عمر از کار عاجز ولی آدم خوبی است همه کارها به ترجمان رجوع شد (ترجمان هم بار خود را بست) درین مدت قلیل قریب سه هزار لیرا بیشتر مداخله کرد. کاربرد از مردی است رؤف و مهربان در رأفت وی همین بس است که چند ماه قبل که دولت عثمانی عسکر بکویت سوق میداد سرزها بدسته از روارد چار شده کونک شان زده آنها را حلت میکنند و مالهای سواریشان را میگیرند زوار بکار برد از شکایت کردند - کاربرد از مهتر خود را سدازده فرمود که من طاقت سواری ندارم مالهای مرا بزوار تقسیم نموده هم از خرج آسوده شوم و هم کسب ثواب کرده باشیم زوار هم خیلی اظهار تشکر کردند بعد بنای تمذر از طرف سربازها گذاشت که این ها از شوق سربازی گرسنه و پیاده بجنک میروند هر چه بکنند حق دارند باقی مراتب قول سلطانه را من بعد خواهیم نکاشت (راقم د . ه)

سوانح عمری جناب حاجی زین العابدین آقا قلی اف

(نبر ۴)

همه روزه کوشش داشت و با سایر عمله جان و کار کنان کمال محبت و مهربانی می نمود و امتیاز میان رئیس و مرئوس نمیداد. و چنان تن بسختی و سستی

داده بود که صبح قبل از طلوع آفتاب که اغلب همه جات حاضر نشده بودند خود آماده و مشغول میکردید معلوم است حفر چاه (ارزنان) یعنی متقی که وقت میدهد کار سهلی نیست و باندک زمانی نتیجه حاصل نمی شود هر چاهی باید انتهایش بدویست و پنجاه (سائزین) که هر (سائزین) دوزخ نیم شاهست برسد و دست کم دو سال با کلی همه جات بهر گونه مخاطرات باید استقامت کرد - و در هوای سرد زمستان و آفتاب سوزان تابستان بسوزد و بسازد و هر ماهی دود فیه پوست بیندازد و گاهی همچون آهن در کوره حدادی خود را از شدت گرما بکندازد اغلب معاصرین از این مرد تعجب داشتند و بعضی او را سفیه می پنداشتند گروهی از حسودان میگفتند این روئین تن است یا آهنین بدن - چنان در پیشرفت مقصود و حصول مقصد سعی بوده که تمامی عمله جات و کار کفاران حیران شده بودند گاهی اتفاق افتاد که همگی گفتند شیرازه کارش کسبخته و خاک حسرت بر سر آمالش بیخته شد. و همین قسم چند دفعه چنان مبتلای شداید سختی و مکرر گرفتار مصائب بدبختی شد که هیچ کس امید فرجی برایش نداشت و هر کس بقدر مدرك خود نغم و همی در مزرحه خیال میکاشت و گاهی چنان پریشان حال و آشفته احوال و تنی دست میکردید که دل سنگ های متلاشی شده چاه متقی بجائش مینالید عملجات نطف تمامی حیران و به رسیدن مراد و حاصل شدن مقصد کریان اما خودش در کمال سرگرمی با دلی چون کوه استاده و گاهی از سعایت کار و حصول مقصد از پانفتاد علی الانصال سعی می نمود و آرام نداشت و ساعتی خود و دیگران را آسوده نمیکنداشت - سایر شرکای کم دل فرج این کار را مشکل دیده زبان بطعنش بر سکشوده و بمصاحبتش التفاتی فرموده از امید نفع این شرکت چشم پوشیدند کم کم بجنبش و چون ابر آفری بفروش آمدند و گفتند که این نخل را ثمری و این نهال امید را بری و این

زحمت را آری مقرب نیست و خریدار اسهام مائدا
 کیست تاکی سبر کردن و تا چند زجر بردن برای طاقبت
 نامعلوم که چه پیش آید و ختم کار باد هر جنبر بستن
 یا آب در هاون سودن است

طقت بر در یازدن بمحاصل است

معت بر سندان نه کار مائل است

ماها از انتظار بجان رسیدیم و کامی از فواید
 این زحمت شیرین ندیدیم - آیا این پیر فرتوت آرزو
 پس از مدتی چه زاید و این بحر عمیق هوس پس از
 صهدی چه در کنار آرد این سرد چگونه چشم کشاده و تن
 بهزار زحمت داده ولا ینقطع کوشش میکند و شکاف
 زمین را از چنگ طمع میدرد هر دم وقتاری و هر
 ساعت گفتاری داشتند (حاجی) قدمردانکی پیش
 نهاد و دست خریداری بمحضرات شرکاء داد و اسهام
 انهارا تمامی خرید و بند علاقتشانرا از مقرض مردمی
 برید شرکاء این مسئله را فوز عظیم شمرده در حقیقت
 مفت چنگ دانسته اسهامرا فروختند و تنخواه خودرا
 ترکه مر یک بطرفی کریمتند (حاجی) بلک تنه بر سپاه
 عمل میزد و نمهراسید از نتیجه کار و چونکی نیک و بد
 چنان داشت در کار بای نیات

که شیر فلک کشت مبهوت و مات

بآمال خود آنچنان کرم بود

که هر روز بر زحمتش میفرود

مدنی متادی این کار طول کشید و آری از کنج
 کاوی زمین بظهور رسید عملجات نفت همگی در حال
 تأسف و دوستان و آشنایان در کمال تعلق باو گفتند
 که این سعقت و زحمت اگر برای هوس است بعد از
 مخارج بی پایان و قروض بیرون از حد پس است
 (حاجی) هریکرا بزبان ملائمت استمالت و دلخوشی
 میداد و اجرت عملجات و کارگذاران باضمیمه انعام
 هرروزه می افزود تا آنکه آفتاب اقبالش از افق مراد
 سرزد و بیک خوش خبر نیک بختیش حلقه بشارت

بر هر زد

رسید مژده که آمد زمان فیروزی

بعفت ابر سعادت خبار دیروزی

لعین دکر که به ایزای زجر چندین روز

تمام عمر تورا داد لطف امروز

(ان مع المریرا) فرج بعد از شدت و امید

پس از حسرت دست داد شاهد اقبال چهره مقصود

کفاد (ان الله یحب الصابین)

بگذرد این روزگار تلخ تر از زهر

بار دگر روزگار چون شکر آید

سبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند

بر اثر سبر بوبت ظفر آید

زحمت چندین سال به نیم ساعت امروز نتیجه اش

حاصل و مصارف مدتی اوقات به آنی چندین برابر

واصل شد باب کرم و مهربانی کفوده و بهر یک از

عملجات و کارگذاران داد کرم کستری داد - و همه ر

به العامت قابل و به اکرامات کامل نائل فرموده که

بقیه عمر خودرا از مصیبت فلاکت آورده و در کمال

راحت و آسایش بدون مشقت زمانه زندگانی کند همگی

با خلوص نیت بامنتهای مسرت از درگاه حضرت عزت

از دیاد تمول و ثروت او را خواسته و دعای خیر

کردند از آن زمان کارش اوج و دریای دولت و مکنشش

موج گرفت - چون روز بروز دایره مکنشش وسعت

یافت و بهر سو رو نمود ملادرتک بمقصد و آرزوی

خود شتافت رختی همت و مردانکی از راه قوت

و جانانکی بشهرستان تمدن و فرزانهکی راند کفتی

به اندک زمان کتب ترقیات ملل متحده را خواند و

دست وطن پرستی را از آستین بیرون کرد و به ابنای

وطن مقدس و نوع خود خدمت بی پایان نمود نهال

پژمرده نوابوکان اسلام را بقوه بخشش و توانائی از

تأسیس مدارس عالیه برومند نمود و دلپای خستگان

نتاج اسلامبازرا بفرک سائب و توانائی از دایر کردن

مکاتب عالیہ خورشید فرمود سالہای دراز و قرنہای
دیر باز اثر خدماتشرا صفحات تاریخ روزگار نشان
خواهد داد و ثمرہ مدینت و کفایتش را لیل و نهار
بیان خواهد کرد

قرنہا باید کہ تا صاحب دلی پیدا شود

بوسیدی از خراسان یا اویسی از قرن

سالہا باید کہ تا یکمشت بستم از پشت میش

تا بدیرا خرقه کردد یا حصار برا رس

(باقی دارد)

مقالہ یکی از دانشمندان

(شماره ۴)

نیروی دولت ایران

پس ارباب سیاست و فطانت راست در این نکته
ملاحظہ ودقت نمایند کہ آیا اهالی درجہ صورت مجبور
ار ایقای وظایف تابعیت خود میکردند - و با اشتیاق
او برای خود ادای وظایف تابعیت را دین و فرض
شمرده و بہ ادای او مسارعت میورزید - بلی اهالی
ہکامی مجبور ایسای وظایف تابعیت خود میباشند
کہ از مذیت حال و استقبال خود امتنان و اطمینان
حاصل نمایند - معلوم است از اهالی از حکومت
خود امتنان نداشته باشند بالطبع در ایقای وظایف
تابعیت تصور ورزیده بلکه مخالفت و امتناع اظهار
خواهند نمود پس در آن احوال بقای آن چنان حکومت
قابل نیست - و اگر حکومتی با قوت سیف و شدت
یعنی کشتن و بستن استقرار خود را آرزو نماید موقتی
است و دوام و قیام دولت محتاج بخوشنودی و امنیت
هیئت مجموعہ ملت است

عجبا اهالی را چکوبہ باید تأمین نمود ؟ بدون شک و

شبه عدالت مابہ اطمینان و امتنان خلق است - اصول

تأمین دوام انتشار عدالت را قانون مینامند مسلم است قانون

پنجودی خود احکام خود را اجرا کردن نمیتواند پس

ناچار ودیہ دست مأمورین میبوسد - احکام مأمورین

حسن استعمال نمودند عدالتیکہ ضامن امنیت و مستلزم
حصول بقای سعادت است نشر خواهد شد - و برعکس
اگر مأمورین برخلاف احکام قانون حرکت و اہالی
را از استفادہ حقوق مفروغہ خود مانع آیند بجای
عدل و داد ستم و بیداد انتشار یافته بالطبع امنیت
خلق سلب و بدیہای کوناگون کہ نتیجہ آنها بالمآل
انقراض است بوجود خواهد آمد

پس معلوم و محقق آمد کہ تأمین حقوق اہالی

محتاج است بہ نشر عدالت - لذا واسطہ جہتہ تأمین دوام

انتشار و تعمیم عدالت لازم و درکار است کہ از هر

نقص و عیب بری بوده باشد - و آنہم منحصرست بوجود

یک ہیئت کہ محل وثوق عموم تواند بود تا ہیئت مزبورہ

کافہ حرکات و افعال مأمورینی را کہ در احکام

قانون و ادارہ عمومیہ ملک و ... و تحقیق و

حقایق امور را بہ ادارہ مرکزیہ مدبور و بہ یکجا

اقدس اعلیٰ حضرت شہریاری عرض و مجازات کسانرا

کہ جسارت سوء استعمال در احکام قانون نموده از

ادارہ مرکزیہ طلب نمایند - و چنانچہ از جانب آن ادارہ

نیز مساعیہ مشاهده شد مخاکیای ہابوبی معروض دارند

کہ در آن صورت بر سطوت سلطنت یک بر حد افزوده

و بدون شک و شبہہ تأمین حقوق تبعہ و زبردستان

بمحصل خواهد پیوست - و باید دانست کہ تأمین حقوق

بدون شک و ریب بستہ بوجود چنین ہیئت است و بس

زیرا اگر با وجود عدل کسراش اہالی مملکت بر

صورت جریان مصالح و ائف و آگاہ نکردند و ادارہ

عمومیہ مملکت مجرودہ دست استبداد یک دومہ نظر بوده

باشد جریان امور بر وجہ تأمین حقوق جہور و

سعادت و سلامت ملت و وطن (بستہ بہ بحث صاحبش

میباشد IIIII)

افسوس کہ در دنیا ہیئت یافت نشده کہ از دوام

اصول استبداد استفادہ نموده باشد کہ خود را سکین داند

و بتوانیم جہتہ برده کشیدن بر مضرتہای استبداد اورا

مثال بیاوریم

ولی دولت و ملی که بمضار و خسار اصول استبداد
دوچار و بدالسبب محو و نابود و منقرض گردیده‌اند
بی‌شمارست. اگر بدقت در تاریخ نظر شود خواهیم
دید اروپائیان سالهای بسیار در زیر بار استبداد به
هزاران گونه ضایعات دچار و قرن از انواع انقلابات
در خون خود غوطه‌ور گردیده‌اند. تا آنکه منہاج
سلامت و ترقی را با دفع و رفع اصول استبداد بدست
آورده و بدین درجه عز و افتخار نائل شده‌اند

بل امیدوار بودن و املیت بصلاح و سعادت آن
هیئتیکه اداره آنان در دست دوسه نفرست نمودن
مانند تصور ابدیت ملکیت است جهة يك شخص که
نصیب آن ابدیت جهة بی بشر از خوارق عاداتست
لذا از اصول استبداد امید فائده داشتن کار عقول
سلیحه که متصرف بحمیتند نبوده و نیست. زیرا مهم
سپرده دست اشخاص محدود بودن ولو به آنان نسبت
سفت قدسیت داده شود عادتاً اداره کفیه خواهد
بود. و چون تشکیل هیئت از يك شخص محال است
وجود يك شخص هم درجای هیئتی قائم نتواند شد.
پس چنین اداره قطعاً نمیتواند بمخلوق يك مملکت املیت
بدهد

ما حصل کلام لازم است که دولت علیه ایران جهة
استفاده از قوانینکه حائز است تمامی تبعه و زیردستان
خود را از حقوق مشروع حق و قوف خودشان
مستفید فرماید. هم ممکن نیست مگر با دفع و رفع
اصول استبداد

و چون ذات اقدس شهرباری خلافت سلطانه
از نخست بر این نکته دقیق تأمل فرموده از یومیکه
زینت بخش او یک سلطنت گردیده‌اند این آرزوها در
قلب هموم بروز و آثار جلیه آن نیز جلوه ظهور
خود چنانچه با امرهایونی در ما و اختلاف طهران انجمن
معارف تشکیل یافت و انتظام مکاتب جبهه تحفیث آن

انجمن حواله شد. فرمان بتوحید پروغرام عموم
مکاتب شرف صدور یافت ولی در ثانی معارف ترك
مرفقان گفته پروغرام مکاتب برای و اراده مدیران
مکاتب واگذار گردید هر چند ما از وطن دور و از
حقیقت حال بجزیم ولی بقراریکه مسموع است کویا
برخی بخاکبای هایونی معروض داشته‌اند که توحید
پروغرام باعث حصول اتفاق افکار و بادی برخی
محدورات است.

گفت با با خوب وود آورده

لیک سوراخ دعا کم کرده

توحید پروغرام مکانیک در تحت اداره موحدین
است کودکان را جز بدولت برستی و وطن دوستی
سوق نخواهد داد. اگر در آرا متفق گردند جهة
دوام و بقای دولت و ملت و وطن است. ولی
دارالفنونیکه بوجه ملیت تشکیل نیافته یا آنکه ابدأ
پروغرام ندارد نشئت یافتگان از آن هموم بیدین و
جمهوری خواهند شد و کار آنجا بکلی از همه جهة منقوش
خواهد بود امیدواریم اداره مرکزیه اصلاح این امر را
بمردمان عالم دیندار محول فرمایند که ترقی جز بوجه
دیانت از جهة علانست و جمیع حکمای عالم از سلف
و خلف در این کله متحدالرای میباشند

و تا از برای مکاتب جدید توحید پروغرام و
مخرج مشخص نشود جلوگیری از مفاسدی که در
نوباوگان وطن در تزیایدست محال اندر محال است. زیرا
امروز هزاران بلکه لک لک کودکان ایرانی از عدم انتظام
مکاتب و نداشتن مخرج و نبودن مکاتب طالبه در اروپا
و روسیه و ممالک عثمانی و خود ایران بمکاتب فرنگان
رجوع نموده و مینمایند و بطور خصوصی از بی
دینان درس الحاد میخوانند. و معلوم است عاقبه
از این جماعت يك هیئت ضال مضلی که مایه عود دین
ودوات است تشکیل خواهد یافت و ایران بدست آنان
وزیران خواهند گردید. هر چند سالهاست بهر وسیله که

توانست اداره مرکزیه را یادآوری نموده ایم ولی اثر فریاد ما در هیچ کوشی بروز نموده کوش اگر کوش تو و ناله اگر ناله من آنکه البته بجای نرسد فریاد ست (باقی دارد)

▶ داستان شکفت - یا سرگذشت پنهان ◀
(از شماره ۱۸)

§ من طفلانرا مانند فرزند صلی خود نگاه داری خواهم نمود. اگرچه در ظاهر آنانرا توجیحه من آورده ولی ناگهان حضرت پروردگار این طفلانرا بمن عنایت فرموده که از اندوه بی فرزندی رهائی یابم همچنان. ورمایش شماراست و این نعمت برای شما رحمت خدا داد است. ولی اگر روا بدانی و دستوری بخشید این دختر کوچکرا همراه خود بپریم که با پسر کوچکم (فرهاد) همبازی شده و بخوشی امرار وقت نمایند. این بگفت و خطاب به جیه کرد

فرزند آیا اینطور که گفتم بهتر نیست ؟
جیه - خیر. آقا من از ظاهر خود جدا نمیشوم خوب بخواطرم آمد چند ساعت است که اینجا آمدهاید هنوز اسم شمارا ندانسته ایم. اسم توجیست؟
جیه

فی الحقیقه جیه هستی. بعد از دختر بزرگ برسید اسم تو چه چیز است ؟
نادره

جرا آهسته باسخ میدی؟ چرا متأم و متفکری؟ آیا رنجور و خسته میباشی ؟
خیر... ناخوش و مریض نیستم ولی...
آنچه دردل داری بگو. الحمدلله جایبان راحت است - و اینجا از خانه پدرتان خوب تر است
اوف... پدر ما !!

رئیس سواره به نادره گفت
تا زین دختر من میخواستی سخن بگویی نکفتی

منظور ترا فهمیدم آنچه میخواستی بگویی بگو به بیم جناب خان - من درباره خود حرف ندارم و چیزی نمیخواهم ولی...

فرزند - امان ازین گله (ولی) که میگویی و سخن خود را تمام نیکنی دیگر شرم و حجاب لازم نیست قصا فرزندان من میباشید - آنچه در دل دارید بگوئید نادره برنوا میخواست سخن بگوید لیکن عقده کلوبش را گرفته و نمیتوانست مطلب خود را ادا کند از طرز نگاهش بیدار بود که مطلبش مهم و سرودش الزم است ولی رعه بر اندامش مستولی و حالتش پریشان بود و از عهده سخن کردن بر نمی آمد - ماهزار تعب و سر بزر انداختی و تردد بسیار گفت جناب خان سه روز است خواهر کوچکم کرسنه است و چیزی نخورده

جیه گفت - خواهر جان چرا خود ترا نمیگویی مگر تو کرسنه نیستی دفعه آخر که خاله ما دو بارچه نان خشک با داده بود آیا تو حصه خود را هم به من ندادی ؟ چرا نمیگویی تو که از من کرسنه تر هستی ؟ از لطق آخر دختر کوچک سکوت عظیم در اطاق رئیس حاصل شد همه مبهوت و متعجب و از حالت دختران در شکفت ماندند. حق سمد خان که بسیار دلاور و سخت دل بود با سر آستین خویش سرشک چشم خود را پاک نمود و فی الفور بزوجه خود (ناطقه) خانم گفت که طفلان کرسنه را به اطاق دیگر برده طعام بده. ناطقه خانم هم نادره و جیه را بمنزل علاحد برده سفره طعام پیش شان گذارده باز به نزد شوهر خود عودت نموده گفت

آه بچارگان!
سمد خان - بی حقیقتاً عجله و واجب الرهاه اند ظاهریک - واقماً حال ایجان بسیار هم الزاست در این هنگام یکنفر سواره داخل خانه شده به ظاهر بیك عرض نموده

بيك . هوا قدری با زنده باد و باد هم کم کم
ساکت میشود . اگر میل دارید براه بیفتیم که وقت
مسافرت

طاهر - بی الساعه میرویم دیگر نمی نشینم که
فرست فوت نکردد آیا اسبابا حاضر نموده ؟

ایلی حاضرند رفیق (مصطفی) هم در صکوحه
ایستاده هر دو منتظر شما هستیم نایب از جای خود
برخاسته بمو و زوجه اش گفت

سپدا حافظ مهربان عموی من وزن عموی محترمه
ام خدا حافظ

سمد خان - نوردیده در این نیمه شب میخواهی
بقریه [بیتر] بروی ؟

بی همو جان شمارا بخدا سپرده میروم
قدم بالای چشم ای پسر جسور و غیور من
خوش آمدی

بعد از یک دو روز باز ملاقات مینایم انصافه
انشاء الله نور دید انشاء الله . در آن هنگامیکه طاهر بیك
با دو نفر سوار اتباع خود از خانه عموی خویش
سمد خان سوار شده و راه قریه [بیتر] را پیش
گرفت نادره و جیله هم در سر سفره نشستند بر اکل
طعام و راز و نیاز مشغول بودند نادره جیله را مخاطب
ساخته گفت

همسیره نازنین من دیدی که نتیجه صبر فرج است
همیشه میکنم جیله جان صبوری نما و دلتنگ مباش
خداوند رحیم و قادر است روزی تواند شد که ما در
ماندگان عاجز و بی پناه را از این کرداب فلاکت و
مشقت خلاصی کرامت و ساحل سلامت و راحت
برساند . هیجا این سخنان مرا در خاطر داری ؟

بی طاهر جان فرمایشات شما را در خاطر دارم
و هنوز فراموش نکرده ام و نخواستهم مسکود و بی از
شما خواهش و نیاز میکنم که پس از این دیگر گذارش
آرزوهای منعموم را به زبان نیاورده و غم مرا تازه

تغنی اینک دو ساعت است که آنکس اسباب آسایش
و استراحت من و تو مهیا گردیده چه معلوم است
که بعد از این

چه سخن اندت میکنی که هنوز دو ساعت است
راحت شده ایم انصافه من بعد همواره با کمال استراحت
در اینجا خواهیم زیست

اوف . . . طاهر جان چه عرض نمایم
جیله هیجا چه میخواهی بگوئی آیا در دل چه
اندیشه و فکرداری و از من پوشیده و پنهان میداری
بگو بینم آن فکر چیست که آنآ فانا ارحزن و کدورت
را از رخساره انورت هویدا میآرد ؟

هیج طاهر جان هیچ . . . خدا یا . . . خدا . . .
جیله مطلبی که تصورات خود را بیان کن میدانی
که من در راه استراحت تو تا به چه یایه طاهر فدا
کار و زحمت کش هستم

فرمانت شوم طاهر جان معلوم است که تو سبب
حیات و مکانه امید گاه منی ولی افسوس
ترا بخدا سبب تأسف و محزونیت خود را بیان
کن زیرا این آه تأسف انگیزت آتش بجانم افروخت
خواهر مهربان من هنوز جرخ کجمدار کید
خود را ظاهر نموده چه میتوانم گفتن
طفلك بی نوا آیا تو دیوانه شده ؟

خیر خیر همشیره جان بخون بنسم ولی اثرات
قلیه ام مرا مضطرب و پریشان دارد
از چه میترسی ؟

از ظهور فلاکت دیگر میترسم بیچوچه بر من
عیب مگیر و تقیر مفرما که حوصله ام نشکی می نباید
خاطرم پریشان گردیده و ظهور یک فلاکت تازه در
مد نظر هویدا است من از خود نمیگویم حسن درونی
است که مرا چنین مضطرب و مشوش دارد و نمیتوانم
خود داری نمایم و بر منع گریه خودمقتدر نیستم -
این یک گفت و بلا اختیار آغاز کریستن نموده و سرشک

ارغوان بر رخصت و خفای خود فرو ریخت .
 نادمه از مشاهده آن حالت بسیر متأثر و ملول و
 افسرده شده در دل خود بی اندیشید باید زحمت
 و مشقهای ایام گذشته در پیش چشم جبهه تجسم نموده
 و اینگونه بچاره را بدینگونه مضطرب و پریشان
 میسازد . لذا با نصاب قلبی بخش و اندرزهای محبت
 آمیز خام کوچک خود را قلبی میداد لیکن افکار و
 تصورات آن دخترک مظلوم بجا نبود و احساس قلبی
 او دل پاکش را از وقولت آتیه آگاه و خاطرش
 را پریشان نموده بود : ناگاه در آن هنگام اثر خطرات
 قلبیه آن معصومه بروز نموده - یعنی (ناطقه) خام وارد
 اطاق و بکنظر حسرت آمیز بر حصار زرد اطفال
 انداخته و آه سرهی کشیده گفت (باقی دارد)

مقاصد سیاسیون انگلستان

(در ممالک محروسه ایران)

(از شماره ۲۴)

جزء اعظم حکمت عملی دولت انگلیس در ممالک
 ایران همانا ترقی تجارت انگلستان است - برخی از معترضین
 محترم که اعتراض نموده اند درباره ندادن قرض بدولت
 ایران خلل عظیم در نفوذ و رسوخ دولت انگلیس وارد
 آمده و عقیده شان آنست که بجهت وسعت تجارت انگلستان
 در ممالک ایران وجه هنگفتی لازم است تسلیم باید کرد ولی
 البته با قیام اطمینان و امانت اظهار میدارم که
 جزو اعظم حکمت عملی مادر ایران ترقی تجارت است -
 اما اینکه برخی از معترضین محترم را عقیده بر
 این است که برای ندادن قرض بدولت ایران خللی
 عظیم در نفوذ و رسوخ ما در آن مملکت باید کردید
 و بعضی رای میدهند برای وسعت دادن تجارت ایران
 دولت انگلیس را لازم است که سرمایه هنگفت فراهم
 آورد مورد تصدیق نتواند شد

چه این نکته اهم را باید دانست که ملت انگلیسه
 صراف اند و هماره شیوه صرافان بر این بوده و هست
 که دیناری صرف نمینماید مگر اینکه ده دینار فائده

آنرا از روی مآل اندیشی بلکه حکم و بین مد نظر
 دارند - همین صورت اجزای ایران نمیتوانند الزامی
 بر ارباب حل و عقد وارد آرند که بدون اندیشه مآله
 امر اقدام بادی قرض بدولت ایران نه نمودند دولت
 انگلیس هیچگاه انکار در دادن قرض مزبور نه نمود -
 البته این خواهش را داشت که مبلغ مطلوب بشروطی
 داده شود که ملت و دولت ایران در کمال سهولت تأدیبه
 آن را مقدر باشند و مستعد شوند

عقیده دولت انگلیس بر این است که دادن قرض
 بدولت ایران و اخذ ضمانتیکه در قبضه اختیار ایرانیان
 باشد با تکرر قرض ضمانت یکسان است - در چنین صورت
 ملتی که پیشه شان صرافی است بدون تأمل و تأخیر
 صائبه و مآل اندیشی بجهت قسم میتواند اینگونه مشغولات
 را به پذیرند -

علی ای نموکان - ما ترقیخواه ایران هستیم بهر
 وسیله که باقد - درین صورت نباید ترقیات آن دولت
 را منحصر در خود قرار دهیم - ما را لازم است که
 کمال تمجید و تعریف را از دولت روس به نایم که
 درین کار نخبه اقدام نموده - فرضاً اگر آلمان هم درین
 میدان قدم نهد مزید بر مسرت ما خواهد کردید
 این امر از بدیهیات اولیه است که ترقیات دولت
 ایران با اجرای راه آهن در آن مملکت توأم است و
 وسعت و ترقی دائره تجارت منوط به مدار شدن راه
 آهن میباشد

آنچه را که درباره از دیاد قولسلاط و اضافه
 مأمورین و نمایندگان دولتی در ایران بیان شده تسلیم
 داریم و از دیر زمانیست صکه خیالات رجال دولتی
 انگلیس معطوف بدین مسئله اهم میباشد

آنچه در باره شطرا المرب و دجه و شط فرات
 بیان شده مقرون بصوابست - ولی این نکته را باید
 دانست که دولت انگلیس را امتیاز رساندن هست در
 آن نواحی حاصل است - و عملاً قریب سیم تکرار از
 هندوستان تا ساحل فرات نیز کشیده خواهد شد و

این بیم همیشه خواهد کردید که در سلمه مختبرات
با انگلستان سهولت دست دهد

رپورت. و هدایاییکه از طرف سفارت ما در ایران
موسد بل منهای غور و کال توجه ملاحظه مینمایم -
مسلم است اگر نجات محترم ما که مقیم هند و ایرانند
در پیش رفت مقاصد خودشان هدایای ناپسند دولت
یا کال حزم و عنهم راسخ در انجام آن اقدام خواهد نمود
باز هم در آخر این مقام تجدید مینمایم - که حکمت
همی ما مانع از منافع مشروعه هیچ دولتی در ایران
نمیشد - چه میدانیم این امر مفید محال دولت ایران
واقع خواهد شد - حقوق تجارتی ما در ایران و حق
ما بر اینکه در دریای خلیج فارس جہازات جنگی
بکناریم بهر حال محفوظ خواهند ماند - و ما امید داریم
که ایران زود ترقی نموده اصلاح حال خود را خود به نماید
(یوسف والین) پس از استماع این سخنان بیای
ایستاده اعتراضات خود را باز گرفت (یعنی تسلیم بر
خطای خویش نمود) و سپس اعضای پارلمان امضا
دلشتمد مقالات و آراء (لورد مککرنیورن) معاون
وزارت خارجه انگلستان را

حلالتن

و حادسیقه که گفتند شویم سیلیون فرنک نام
چه میگویند نداریم - و همچنین اگر هم آن سلیقه در کسی
یافت شود امراض شخصی مانع است از کشف آن
چه تا بگذرد چه مثل خیالات مستبدانه مان میگرد -
سازگاری نوشته لبم از نکرده تا اینکه میدانیم مازم از
نخواهد کرد مینویسم تا بوظیفه خود عمل نموده باشیم
ما در میان دو همسایه مقتدر که نظام حکمت عملی
هر يك مخالف با دیگری است دچار و گرفتاریم (یعنی
یکی دوست کش است - و دیگری دشمن برانداز) -
ولی این امر شنبه لغو که اگر با همسایه (دشمن بر
انداز) خود باز در دوستی در آیم و یا با همجوار (دوست
کش) مطامع دو دشمنی باشیم آسوده خواهیم زیست -
اینها همه اصطلاحات و تدبیرهای سیاسی است مقصود

هر دو پیش قدمی و ترک تازی بر ماست هر دو انکار
میکشوند باختلاف اسم

آن یکی چون قوت نفوذ و غلبه خود را بر منزل
کال از راه دوستی رساند - تکالیفی بر ما خواهد کرد که
در انکارش مجبور باشیم و چون انکار و سرپیچی از
از آن تکالیف نمانیم بدشمنی شهرت خواهیم یافت و گاهی
که دشمنی علانیه شود در کال سهولت همسایه (دشمن
بر انداز) مان بحکمت عملی خود رفتار نموده از در
دشمنی ملرا خواهد بر انداخت

و یا در وقتیکه دچار هزاران گونه مخاطرات باشیم
همسایه (دوست کش) مان ابواب نجات را در تمسک
بجهد المتین دوستی خود ظاهر داشته ما نیز بمقاد (الفریق
یتشبت علی کل حبش) تاچار بدو متمسک شده چون
در دوستی قوت و قدرت و نفوذ و رسوخ خود را
بدرجه کمال رسانید بحکمت عملی خود عمل نموده مارا
نیز حزه سائر دوستان شهید خود قرار خواهد داد
ملخص کلام آنکه یکی ما را مجبور بدشمنی کرده
کار خود را از پیش خواهد برد - و آن دیگری بدوستی
خود تاچار ساخته از پای خواهد در انداخت - هر دو
بیک منزل میروند بدو راه - هر دو بیک مقصود میگردانند
بدو مسلک - (کوش سخن شنو کجا دیده اعتبار کو)

پس ما راست که بیدار خویش باشیم - شاید روزی
بتوانیم خودمان را از چنگ دشمنان برهائیم و از
دام دوستی آنان بجهانیم - این امر در صورتی ممکن
است که حکمت عملی تازه اختیار نمانیم یعنی تاکنون
آنچه مسکرده ایم گذشته بنداریم (چه تیر از شصت
رها شده بلز نمیگردد) - امروز بر ماست که میزان
رسوخ و نفوذ این دو همسایه مقتدر خودمان را معتدل
قرار دهیم و ازین بیمد هیچگونه امتیاز هیچ یک از
آنها ندانیم اگر مقتدوم رفیع نواقص ملک و ملت را
خودمان بخانیم - و یا از دول دور دست مثل هولاند -
بلژیک - ژاپون - و امثال آنها آدم - استقرار کنیم شاید
بباری بنزله توانیم رسانید - و هرگاه خودمان بکند

عاجزیم بدول کوچک دور دست امتیاز داده خود هم
دوایه بیدان ترقی بنازیم که وقت درنگ نیست
ای شاهزادگان و امراء و وزراء جلیل القدر
ایران یکانه بی انبیا شاهد است این احترامات جزئیة
را هم که امروزه اجانب به شما میگذارند برای
آست که کلاه مرستان را بر داشته بخاک مفلتان
بنشاند بعد از آنکه بمرکب مقصود سوار شوند اول
دفع شماها را فریضه ذمه خود خواهند شمرد - از
همکنار خود عبرت گیرید - بقای عزت شماها و اولاد
تان در سایه استقلال وقوت و تروت سلطنت ایران است
وزیر ... در سال هرات و هشتصد و سی پنج
یکی از سرداران ... قال مودت و محبت را داشت
عمرانه سوال و مشوره کرد که اگر من خدمتی بدولت
شما کرده این مملکت را ضمیمه سلطنت شماها قرار دهم
در حور لیاقت و خدمت چه مقام برآیم بخویر خواهان
شد - سردار موصوف بیان نمود که چون من شما
دوستم و از من مشوره بینائی در مشوره خیانت
نخواهم کرد ولو برخلاف صرفه خود ملت خویش
عمل نموده باشم

اولاً باید بداید که نایب درجه علم و دانش که شما
راست در اقوام عالم و ملل ستمدن از حیث لیاقت
جر درانی و مزدوری بهره نصیب شما نتواند شد -
و نیز بحیثیت خیانت که در ناره ملت و دولت خود
خیال دارید - با این فساد اخلاق قابل درانی و مزدوری
هم و انید شد - عزت شما صرف در سایه ملت و
دولت خودتان است - اما اینکه شما می بینید که در
حق فلان خان که خدمت ما کرده همراهی نموده او را
صاحب عزت و تمول ساخته ایم نه بواسطه لیاقت اوست
بلکه برای پیشرفت مقاصد سیاسی خودمان است - ورنه
در انظار ما پیش ازین ذلت و خواری برای کسی نتواند
بود که خیانت بملت و دولت خود کند - چه در
حقیقت این خیانت را بخود کرده است مسلم است
کسیکه خیانت بخود کند - سفیه است و سفیه قابل هیچ

گونه خدمت و در حور هیچ قسم عزت نتواند بود
ازین بیان شاید برخی چنان تصور نمایند که خیانت
بملت و دولت عبارت از آنست که ملک و ملت را بجانب
خروشنند - و یا آنکه اجنبی را در قتل و غارت ملک و
ملت خویش دعوت و تأیید نمایند - هر عمل که بادی
ال نظر منتهی باینگونه امور شود خیانت شمرده میشود
زیرا که مسلم است آنچه بتصور در آید بدواً کوچک
به نظر می آید و رفته رفته بزرگ می شود آبا کسایکه
دولت را باین درجه مستأسل نمودند که محتاج
بگرفتن قرض شد خان نیستند ؟ آیا سردار اینک جیره
و مواجب و علق لشکر را نمیرسانند خان نمی باشند ؟
آیا کسایکه مانع از اجرای معارف و آزادی افکار در
ایران هستند خان بشمار نخواهند رفت ؟ آیا حکام
و مأمورین و نمایندگان داخله و خارجه که بقانون عدل
و داد عمل نمی نمایند و ملت را از دولت متغیر و
مستمر الحاضر می سازند در قطار حائین بشمار نیستند
آیا کسایکه بدو اسم از بیت المال اسلامیان بخرده و
فریب و بغیر استحقاق و ظیف میبرد در شمار خائنان
محسوب نمیشوند ؟ باقی همه خائند خداوند مجزی برساند
تا خان از غیر خائ مطوم گردد - خیانت بملک و ملت
و دولت عبارت از آنست که هر کس در عهدی که
هست لعل در و ظائف خویش نماید و قمع خود را
بر ضرر دولت مقدم دارد

ای رؤسای روحانی وای سرورین شریعت خدای
احمدی بحق همان صاحب شریعت مطهره سلو انا الله علیه
و آله امروز شماها در سایه دولت ایران دارای سلطنت
هستید در هیچ ملت و منصب و در هیچ ملک و
دولت رؤسای روحانی باین عزت و استقلال و تروت
و عظمت نمیباشند - خداوند انشاء الله بر عزت و
عظمت شما بزرگواران بیفزاید - بیاید بر اسلام و
اسلامیان رحم آوردید - و بر خود و اولاد خویشی رحم
کنید این عزت و استقلال و تروت و عظمت شماها
در سایه اقتدار و قوت دولت اسلام است - لکن خدای

نخواستن خلق در استقلال دولت واقع شود، عزت شما
 هارا قبل از همه طبقت ملت وداع خواهد گفت - در
 تبدیل سلاطین آسیا درین قرن اخیر آنچه دیده‌ایم برای
 ادنی و اواسط ناس بهتر شده صوف مردمان بزرگ
 دچار مصیبت و سدمه و ذلت گردیده‌اند اگرچه
 عزت و لغت سلطنت قومی در مذاق اقوام یا دانش
 باندازه میباید که بیچ گونه آسایش برابر نمیتواند -
 ولی این امر مسلم است که بیشتر زحمت و حساس و
 مضار باید باطلی قوم میکرد - اندکی چشم بکشاید
 و نظر بچهار جانب خود فرمائید و به بینید در بلادی
 که علمای اعلامش در عزت و اقتدار عالی شماها
 بوده‌اند امروز مقتدر بر اینکه در خانهای خود
 باولاد و احفاد خویش امر بمعروف و نهی از منکر
 نایند نمیکند اختیار دختر و زن خود را ندانند
 مسائل شرعی را بالعلن نمیتوانند بمردم القا نمود عزت
 و وقارشان همه بر باد رفت چون محل احتیاج ملت
 نیستند ملت هم متوجه آنها نمیباشد

امروز شایسته اسلام خواهی آن است که با رجال
 متدین دولت دست بدست داده سدی در جلو این
 سیلهای بنیان کن که از دو جانب رو بایران آورده
 به بندید و تکفارید باین درجه اجانب در داخله مملکتان
 دارای امتیازات خانه بر انداز شوند و مانع شوید از
 تذبذریکه در بیت‌المسال مسلمین می‌شود (هر که نامش
 بیش بر نفس بیشتر) نقصان آنچه عرض کردیم بیشتر
 عاید بحال شما بزرگان است (من عاجز ز گفتن و
 خلق از شنیدنش)

قابل توجه ارباب حل و عقد حکومت بمبئی
 بتازکی رساله در انگلیسی (مسترای - ا - کود)
 تصنیف نموده جلدی از آنرا نیز بداره فرستاده‌است - در
 کتاب موصوف اشاره به بی اعتدالیهای وزیر حلیه
 امارت خیرپوره سند (خان بهادر قادر داد خان) نموده
 وزیر خیرپوره از جانب حکومت بمبئی بدین عهده
 ممتاز گردیده که تأیید کند والا حضرت (سر مبرفرض

محمدخان بهادر) والی امارت را - درین کتاب الزاماتیکه
 بر وزیر موصوف وارد آورده بسیار است من جمله اینکه
 حقوق امارت را ادا نمیکند و بواسطه جلب منافع
 شخصی در هر يك از محکمه‌ها اقوام و اقارب خود را
 ملازمت داده است - در رساله خیرپوره مینویسد که
 وزیر مومی‌الیه محض فوائد شخصی آدمهای بی تجربه
 را در عهده‌های جلیل مقرر کرده و مردمان با تجربه
 هوشیار را از ادارات خارج نموده است و ازین رو
 میتوان گفت که امارت گزور شده و شالوده کارها
 متزعزع گردیده است - مشکل انجاست که الزام تمام
 نیک و بد امور امارت راجع بامیر حلیه‌است و بواسطه
 کثرت نفوذ این وزیر امیر را هیچگونه اختیار باقی نمانده
 که تواند برای ترقیات ملک و ملت خود اقدامی نماید
 صدق و کذب بیانات (مستر کوه) - تذکره توجه
 حکومت بمبئی ظاهر تواند شد - مصنف این رساله
 دعوی میکند در نبوت آنچه در کتاب نوشته است
 مشروط بر آنکه در عدالت انگلیسی تحقیق شود نام
 کتاب (بهتان خیرپوره) است و محض استیناف بحضور
 حکام انگلیسیه تقدیم نموده‌است - ما درین باب بعدها
 نیز آنچه از عنوانات این کتاب استنباط نمودیم وای
 ملاحظه ارباب حل و عقد حکومت خواهیم نکاشت

شروع باید نمود

حکیم فاضل عمر خیام (رقابت اشعار مستغنی از تعریف
 و توصیف است - از شاعر فلسفی و حکیم جلیل القدر
 ایران امروزه کلماتش جانب قلوب عامه دانشمندان فرنگ
 و محل توجه تمام حکمای اروپا گردیده‌است - چنانچه بافتتاح
 کلوبهاییکه بنام این حکیم دانشمند در اروپا افتتاح و
 دائر شده بارها اشاره نموده ایم - من جمله کلوبهای
 که بنام عمر خیام دائر میباشد در لندن است - اعضای این
 کلوب دفتر اطافه باز کرده‌اند که وجه جمع نموده مقبره
 این حکیم فرزانه که در بدترین صورتی در مشهد
 مقدس خراب افتاده تعمیر نمایند - البته قومی که با
 این درجه قدردانی از دانشمندان سائر ملل نمایند

مستوجب هرگونه ترقیات اند

بارخدايا ملت ايرانيه را آنقدر دانش افزا که قدر دانشمندان خود را بدانند چه هر قدر قدر علما در قومی پیش شود مقدار دانش در آن ملت افزوده خواهد کردید

طاعون

طاعون در صوبه پنجاب اندک کم شده در هفته که آخر آن پنجم اپریل بود عدة تلفات طاعونی صوبه پنجاب (۱۴۸۷۱) بشمار آمده و حال آنکه هفته قبل از آن (۱۶۶۷۵) بود - در جاهای دیگر کمتر فرقی نموده است در صوبه بنکال (۱۷۵۶) بود در بمبئی (۹۴۷) هفته گذشته عدة تلفات طاعون تمام هند (۲۳۷۸۶) نفر بود هفته قبل از آن (۲۲۱۳۴) مرده بود است

مراعات در روسیه

اخبارات انگلیسی میگویند در روسیه مراعات شرعی از قبیل میراث و عبره موافق شرع مینمود - چون قانون شریعت ترجیح یافته ضمیمه قانون روس نگردیده بود در فیصله اینگونه دطای مشکلات زیاد محسوس میشد - خصوصاً در صورتی که از روی اختلاف آراء اختلاف در فتاوی علما واقع میگردد ازین رو اخبار (نووریا) ی روس محرک است که قوانین شرعی را نیز در دفتر قانونی روس شامل نمایند و بحکام ترکستان دستور العمل داده شود که این گونه دطای را از روی آن کتابچه قانونی که اصول کلیه شرع محمدی است فیصل گفتند و چنان مستفاد میشود که دولت روس متوجه انجام این امر شده است

اخبارات خارجه

واسطه نقل بیماران آله در شفاخانه های دولتی در (وتزون) که از بلاد اسکاتلند میباشد بلوا شده
در قطار راه آهن (وین) و (برایسل) مبلغ هشت هزار لیرا جواهرات در منتهای چابک دستی بسرقت رفته است

در (کوللیا) بلوای سختی پیش آمده حکومت

یک هزار نفر را بسرکوبی بلوایان فرستاده است

دولت فرانسه منظور نموده است که صرف (۱۰۸۰۰۰۰۰) لیرا راه آهن جدیدی از پاریس الی (بارتس) تعمیر نماید

در (یوسترن هال) در عمارت نعیمین (دیوک آف کراقتن) حریق واقع شده قبل از آنیکه آتش به تمام عمارت سرایت کند جمله اثاث البیت آن را خارج نموده اند

در (وین) افواہ است که اعلیحضرت سلطان عثمانی امر فرموده که سیم تلگرافیرا از دارالحکومه (یمن) تا مقام (پریم) و (تین) کشیده ملحق به تلگرافخانه عدن نمایند

حکومت (کنیدا) اراده دارد عدة قشون (میشیا)ی خود را که سی و پنج هزاراند یکصد هزار قرار دهد
افواہ است که والا حضرت امیر جوان بخت کابل امیر حبیبالله خان اراده سیاحت هندوستان را دارند (ظاهراً مقرون بصواب نباشد)

در نوروز عالم افروز والا حضرت امیر حبیبالله خان بفقرا و مساکین خیرات و مبرات زیاد فرموده و یکمزار رویه مگورها که جامعشان در کابل زیاد است مرحمت نمود - العام و اکرام درباریان را نیز زایداعطی ماسبق مراعات فرمود و در کمال امنیت نوروز گذشت و در هیچ نقطه از افغانستان علامت اختشای نمودار نگردید

بموجب وصیت (مستر سلسل رهودز) تابوت او را از چوب جنکلات (زمباس) درست خواهند نمود و سنگ قبر وی را از (متابو) خواهند آورد و در (دهوسیا) دفنش خواهند ساخت

وزیر اعظم دولت ایتالیا که در (برلن) آمده امید ظاهر کرده است که مجدداً اتحاد ثلاثه آلمان و استریا و ایتالیا قائم گردد

در مسکو افسر بزرگ پلیس را یکی از دایمکنان روسی هدف کلوله طمانجه نموده تیرش خطا کرد ملزم گرفتار گردیده است

§ وزیر اعظم (نیوزیلند) همین ایام وارد لندن خواهد شد و در جشن تاجگذاری اعلیحضرت (امورد هفتم) شرکت خواهد نمود

§ (لارڈ متو) حکومت کنیدا نیز برای شرکت در جشن تاجگذاری دهم جون وارد لندن خواهد کردید

§ بلوای چین و سرچی رلیا بواسطه ادای مبلتی که بر آنها سرشکن شده بود در خساره لفرک کشی دول بوده - دولت چین سردار جلیل القدر خود (یوان

شکائی) را با اردوی کامل بر کوبی باغیان کسبیل داشت عده بلوایان پیش بود ولی همه مسلح بشصغیر و تبر و امثال آن بودند یعنی آتش خانه نداشتند از طرفین جمع کثیری بقتل رسیده اند

§ از نکارش اخبارات انگلیسی مستفاد می شود که اعلیحضرت شاهنشاه ایران از دارالخلافه بامر بهزم سیاحت فرنکستان از طریق رشت و کیلان و آسنا را حرکت فرموده اند تلگرافی تا کنون در مخصوص نرسیده

§ اموریکه در تنظیمات (نئال) یش می آید تصدیق مینماید افواه بوثران را در باره اینکه سپهسالار بوثر (جنرل بوتهما) قصد یورش به ستال دارد

§ (شاک برکر) تا یکدرجه کامیاب شده که در باره صلح با (مستر استان) مخایره نماید

§ نصف شب و دیروز عصر جماعت (سوشلیست - و انارکیست) در بریسل حمله نموده خط راه ترموه را شکسته و در قرب اماکن خودشان صف آرائی نموده پلیس را سنک باران نمودند و قریب بصد شلیک شد

پلیس با نیزه چهل نفر را مجروح و راهها را صاف نمود § جماعتی از (سوشلیست - آزادی طلبان) و (انارکت - دشمنان نوع دولت) بر حمایت مصیبت زدگان در بلژیک برخاسته ماده و تقریر خودشان را ظاهر

دافت اند - شب گذشته در بریسل پلیس بر آن جماعت با شمشیر حمله نموده بسیاری مجروح شده دو فوج قشون دو طلب را در شهر طلب نموده اند

§ (مستر دومر) حکمران (فرانس اندوچینا)

وارد پاریس شده از مکاتبات و تقریرات او ظاهراً میشود که اگر دولت فرانسه قبل از وقت انتظام کامل نکند در مشرق الاقصی خصوصاً در سیام رسوخ و نفوذ دولت انگلیس زیاد خواهد کردید و از دیاب رسوخ دولت انگلیس بربادی نفوذ فرانسه را دعوت میکند

◀ اخبارات داخله ▶

§ (کراندیوک بوس) شاهزاده روس که بطریق سیاحت حرکت نموده بیعت و چهارم مارچ وارد (توتی کورن) شده سوام شهر مزبو وارد مدراس

کردید ایک مشغول سیاحت (راجپوتانه) و صوبه شمالی هندوستان است

§ هشتم و سه تقر اسرای بوثر را مجدداً وارد بمبئی نمودند

§ درارس (نوچندی) میرتهه حریق واقع شده چهارده دکان اهالی (مرادآباد) را سوزانده است

§ داکتر بزرگ شفاخانه پونه رهم خورده خود را نشته است داکتر موصوف را توهم گرفته بود که از کثرت ملاحظه نمشهای تشریحی بیماری لاعلاجی در او نمایان شده که از آن جان بر نتواند شد ازین رو خود را آسوده کرده است

§ در مقام (سیکانیلر) گذشته از خط نان خط آب هم میباشد اینها هم از اثر خشکسالی است

§ در صوبجات خط زده حکومت هند نوزده ملیون هشتصد هزار رویه مالیات را معاف نموده است

§ برای مصارف دربار دهلی حکومت مرکزیه هر صوبه از فرمائقرمای هند صرف مبلغ معینی را اجازه خواسته اند

§ مدرسه (ایم - بی) کورداسپور از خوف طاعون یک ماه تعطیل نموده است

§ محاصره جدید وزیرستان با اینکه جزئی بود دو ملبور و یکصد هزار رویه مصارف او بحساب آمده است

§ در بلوچستان هند زراعت بنک دور نیست ممنوع شود این مسئله زیر بحث و غور حکام می باشد

§ مساراجه (سکشن پرنس) مستقل در عهده
وزارت حیدرآباد دکن گردید

§ یکم اپریل فرمانفرمای هند نواده سر بلالار جنک
اعظم را شرف ملاقات بخشید و همان روز با زوجة
محترمة خود شار (لبدی کرزن) بملاحظه خزان دولتی و
جو هر حاشیة نظارت رفتند و لاحضرت نظام با صاحبزاده
ولیمید پیوسته در استقبال نموده پذیرائی نمودند سواران
جید سوار بر اسبهای عربی بسیار مختار شده در
جلو فرمانفرمای ناری نموده مورد تحسین واقع گردیدند
§ نوزدهم اپریل بیاد کار تلگرافیان انگلیسی که در
ایم غدر هندوستان خدمات نمایان نموده اند یاد کاری قائم
خواهند نمود و جناب (لارڈ کرزن) فرمانفرمای هند نیز
در آن مجلس شرکت خواهند داشت و جمعی از حکومتیهای
بزرگ نیز در ادای این رسم حاضر خواهند شد

§ واسطه عدم ماندگی بر حرا اندیشه آلت که
ایلم کرما در مقام (الموسی) قتل آب نیز مورث صدمه
اهالی کرد

§ در مقام (مکنیلا) که واقع در ملک برمه است
حریق واقع شده یکصد باب مکان را خاکستر نموده است
§ عاقبت قرار بر این یافت که دارالعلوم (مسترتانا)
در مقام (بنگلور) افتتاح یابد این دارالعلوم موسوم
خواهد شد به (اندرین السنتیوسن سائس) سه نفر از
مطمین اول یعنی از حکام بزرگ و سه نفر معاون
آنها در این دارالعلوم بمخدمات تعلیمی اشتغال
خواهند داشت

◀ کلمه است ▶

§ درین هفته چند مرتبه بارانهای نافع بارید و
ازین رو هوا قدری خنک شده است امسال نسبت
بسنوات قبل هوا چندان گرم نهد - مرض طاعون
نیز روز بروز تخفیف می یابد - چون رؤیت هلال
شد یوم جمعه غرة محرم قرار گرفت جبلالتین نیز
هفته آینده اشاعت نخواهد شد - مجالس روضه خوانی
مانند سنوات گذشته در کمال رونق منعقد میگردد

§ فرمانفرمای هند بیست و ششم شهر حال در
پشاور در بلب خواهند نمود - و جمله سرداران
سرحدی را مدعو خواهند ساخت - درین موقع محتمل
است فرمانفرمای هند در ماده سرحدت مفصلاً رأی
خودشان را ظاهر دارند

§ شب گذشته در
مباشراً (دیره اسماعیل خان) حمله نموده از آنجا اول
داشت ولی همیاب نشده است - سرحدت

§ بتاريخ ششم فروردین ماه هند بدکار رفتند عصر
وارد ایستگاه (نید) شدند و در مورد علی الصباح
بچادری که در (سوات) رازش رده بودند رسیده
خیباً مزبور را آریست و در دست بود مبعوث فرما فرما
هفت میل طی مسافت فرموده وارد شکارگاه گردید
شکار درستی بدست برده ده ساعت بعد شیری نمودار
شده حمله بر یکی از شکارگاهها نمود از بیلش بزمین
انداخت اگرچه هر دو ساعت در تشنگی ولی شکاری
نیز جان سلامت نبرد فوراً شیر دیگر نمودار گردید
فرمانفرما دست از شکار کشیده مراجعت فرمودند

§ در لاهور یکی از عورت های روانه نمودن خطوط
در پستخانه ملازمت یافت و این اول مرحله میباشد
که باین عهده زنی را مقرر نموده اند

§ برای امرای بوئر در (اسباله) و (سهارپور)
حکم بساختن عمارات جدید داده اند تخمیناً مصارف
عمارات (سهارپور) هشتاد و دو هزار و دو بیست و
بیست و پنج روپیه است

§ بونه نزدیک جیلخانه در عمارت نایب الریاسة
جیلخانه جمعی از دزدان ریخته اهالی خانه بیدار شده
صدا بلند کرده همسایگان خبر یافته ولی قبل از اینکه
توانست اطاعت کنند دزدان مبان را برداشته راه
حویث گرفته اند

§ در عرض یک هفته از دوازدهم شهر جاری
تلفات طاعونی در شهر کراچی یکصد و هفتاد و نه
پشمار آمده است

﴿ قیمت اشتراك ﴾	﴿ روزنامه مقدس ﴾	﴿ اداره جبل المتین ﴾
(سالیانه — شش ماهه)	(سنة ۱۳۱۱)	﴿ مدیر کل کالج استریت نمبر ۱ ﴾
﴿ هند - و برمه ﴾	قبل از دریافت نمودن قبض مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت اجبار را ماحدی تسلیم نمایند	﴿ كلية امور اداره ﴾
(۱۲ روپيه — ۷ روپيه)		﴿ مدیر کل مؤید الاسلام است ﴾
﴿ ایران - افغانستان ﴾		﴿ منیجر اداره ﴾
(۴۰ قران — ۲۵ قران)		﴿ آقا محمد جواد شیرازی است ﴾
﴿ عثمانی - و مصر ﴾		﴿ هر دوشنبه طبع ﴾
(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)		(و سه شنبه توزیع میشود)
﴿ اروپا - و چین ﴾		﴿ بتاريخ دوشنبه ﴾
(۲۵ فرنك — ۱۵ فرنك)	ذمه دار صحت ، سقم املاتی که در اجبار داده میشود همان کسانی میباشد که اعلان داده اند	(۲۶ - محرم ۱۳۲۰ هجری)
﴿ روسیه و ترکستان ﴾		﴿ مصادف با ﴾
(۱۰ منات — ۶ منات)	اجزای اداره ذمه دار صحت و سقم فنوائی هستند که از طرف خود مبتکارانه نه عناوین وقایع نگاران و صاحبان مکاتب و منقولات با ترجمه از سایر جراید	(۵ - منی ۱۹۰۲ میلادی)

(در این جریده از هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود)
(مراسلات عام المنفعه مقبول ، در انتشارش اداره آزادست)

﴿ اشهار ﴾

﴿ کارخانه چیت بدل حریرسازی و خانه تجارتی ﴾

(اندری بندر بایسرائش) از شهر سراتوف (در روسیه)

﴿ در منازل این خانه تجارتی اشیاء ذیل بمصرف فروش میرسد ﴾

چیت های ابریشمی - و نیم ابریشمی - و ابریشمها - و تمام بنیه
از رخلوت : پیراهن زبری و آهاردار و زیرجابه و غیره همه قسم حاضر و موجود است و فرمایش هم قبول میشود از جورابها و ساق کشها و غیره همه نوع موجود است
نیم تنه کش زنانه همه نوع و همه رنگ
نیم تنه معمولی و ابریشمی و همچنین بایرقو و غیره
روشواری زنانه ابریشمی از تافته حریر و هم تافته

﴿ منازل این خانه تجارتی واقعند ﴾

در شهر مسکو یکی در کوچه (ایابن کادرخانه کونجیکو الجستوا) - و دیگری در کوچه (بطروف کادرخانه روداکوف) - در شهر سراتوف کوچه (نیکلابوسی برابر موزی) - در بادکوبه (در پاساژ شاکیدانوف)
کتابچه اصول نمونجات از مسکو بجایا جبهه خریداران محترم فرستاده میشود
این خانه تجارتی فروش میکند هم بطور کلی و هم خورده فروش

فهرست مندرجات

§ اشهار • تلکرافات • اعلان عزادری • اخبارات
خارجیه • مکتوب از بوشهر • بصره • شمه از حالات تاریخ
مسلمانان چین • مکتوب از حیدرآباد دکن • معارف
پژوهانرا بشارت • بنام ایزد بخشنده مهربان • اعلان •
اجرت طبع اعلان • شرح اجرت طبع کتب وغیره •
نرخنامه • اعلان • اعلان دیگر • نویس • مقاله یکی
دانشمندان • داستان شکفت - و سرگذشت پیمان •
سوانح عمری حاجی زین العابدین آقا تقی اف • عزاداری
اهل کلکته • تاخیر عجا • مکتوب از اسلامبول •
جبل المنین • صورت خطابه • راه آهن قونیه به بغداد •
راه آهن حجاز • راه آهن حیف و شام • راه آهن
ریاق • عزاداری کشمیر • طاعون هندوستان •
قحط زدگان هند • حریق • مسلمانان هند و جشن
تاجگذاری پادشاه انگلستان • اخبارات داخله • کلکته •

تلکرافات

(۲۶ - اپریل)

§ نمایندہ و وزیر مخصوصی از جانب دولت نجیہ روس
بجانب مشرق روسیہ برای ملاحظہ حال بلوایشان رفته
حالات را ذکر کون یافته است . در نوایح و اطراف
شهر مسکو پی در پی شلیک میشود کویا ارباب کارخانجات
بومی باصلجات بلوئی شرکت عمودہ آنارا اغوا کرده
که با اجنبیان محاصره نمایند خاصاً ما افسران و فوکان
کارخانجاتی که انگلیس اند - حرکات این بلوایشان
نسبت باجانب مشابہت تامہ باقره باکسرهایی چین دارد

(۲۷ - اپریل)

§ زارعین روسیہ شصت پارچه دعات را در مضافات
(پلتاوا) غارت کرده اند - در شهر (خارکیوف) نیز آثار
بضات و بلوا ظاہر شده تمام ملاکین و منتظمین املاک راه
فرار اختیار نموده و حکم به تخلیہ اماکن خود مینمایند -
چنان ظاہر می شود که بر شهر (خارکیوف) نیز بلوایشان
هجوم آوردند کویا حکام و مأمورین روسیہ مرعوب شده
جیانت خود را ظاہر میدارند - هر یک از بلوایشان
که گرفتار شده بقتل رسیده اند اعلیحضرت امپراطور
روس بواسطه اغتشاش بلوا نرک آمدن به (مسکو)
فرموده اند - سرداران بزرگ متواتر از خطوط خوف
آمیز و حلال و حشیانہ خون ریز بلوایشان مخوفند

(۲۸ - اپریل)

§ بموجب تلکرافیکه از (جوہانسبرگ) رسیده افسران
ابوابچی (جنرل دلیری) سردار بوژیوم پنجشنبه انعقاد
مجلسی نموده درباره صلح مشورہ کرده اند - (جنرل دلیری)
هم مع همراہان خود در (کلر سداپ) رسیده اند
§ (لوکس میر) با دو نفر افسران تحت امر خویشی
هودت به (ملبورن) نموده بیست و پنجم در (مدلبرگ)
و (پلنگ) برای مشورہ امور صلح با سرداران بوژ
خواهد رفت

(۲۹ - اپریل)

§ روزنامہ (دیلی تلکراف) از (پریستوریا) تلکراف
خبر یافته که (لوئیس بوتها) و سائر امرا و سرداران
بوژ در (ارجیت - و رایهد) شریک مجلس مشورہ شده
غلیہ آراء بمصالحات قرار یافته است - ولی کسانیکه
طرفدار حکومت انگلیسہ بودند درین مجلس اظهار
رای نہ نموده اند - چنان مسموع می شود که ارادہ
بوژان بر آنت سکه بطریق خوشی تسلیم شده
فرمانبرداری اختیار نمایند ولی این افواہ چندان رسوخ
و قوت ظاہر نموده است

§ بموجب خبریکه از (لارڈکنچر) رسیده تا ۲۱ شهر
حال ۲۵ نفر بوژان مقتول و ۱۰۳ اسیر و تسلیم شده اند
§ مقتولین و مجروحین قشون انگلیسی دو سردار
زخمی شده و دیگری در جنگ بقتل رسیده و یکی نیز
بعلت مرض جان باخته است

§ در افریقای شمالی امیر (کانشا ترو) که صاحب
قدرت و قوت و نفوذ بود با ده هزار نفر تابینش
گرفتار شده اند - اخبارات انگلیسی گرفتاری این امیر
با اقتدار را بسیار مایه ضعف و اضمحلال مسلمانان
آفسوب مینویسند هجرت آنکه مخبر (روتز) خبر یافته که
این امیر با اقتدار با ده هزار لشکر اسیر دست یکصد
نفر گردیده اند این عنوان قرین بقتل و قیاس نیست
§ از اول (می) ماه جاری اجرت پستہ خطوط
انگلستان در شهرهای چین که پستخانه انگلیسی دارد
یک (پی) قرار یافته است

(۳۰ - اپریل)

§ برای مرجوع داشتن و واگذار کردن راه های
آهنیکن - پست سن - هائیکوان بدولت آستان - بحر طاقہ